

نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

*** خامنه‌ای: برای بازسازی به تخصص و منابع خارجی نیازمندیم**

مسئولان اعرامی کشورها برای کسب "سهم مقدس" می‌کوشند. بی گمان نمایشگاه تهران، یگانه "نمایشگاه" و "پرورشگاه" وابستگی بیشتر اقتصادی کشور نیست، اما این هم وسیله‌ای تلقی می‌شود تا باب مذاکرات بیشتر را بگشاید و طرح "بستگی مقدس" را پی ریزد. ۳۶ کشور و از آن بین مهمترین کشورهای امپریالیستی - منهای آمریکا - در نمایشگاه حضور دارند. آمریکا هم برای "مشارکت مقدس" خود در بازسازی اقتصادی، اهرمهای متعددی در اختیار دارد و از اینرو "سهم مقدس" او نیز به طرق مختلف تضمین شده و یا خواهد شد. "نمایشگاه و پرورشگاه" وابستگی بیشتر اقتصادی کشور، در واقعیت امر از یک سو ساخت بقیه در صفحه ۳

چهاردهمین نمایشگاه بین‌المللی بازرگانی تهران در شرایط فعلی کشور و در دوران موسوم به "بازسازی اقتصادی" از اهمیت ویژه برخوردار است. این نمایشگاه بنا به همین شرایط ویژه، ادامه نمایشگاه سال قبل نبوده، بلکه کیفیت دیگری را نمایندگی می‌کند. آنگاه که فروپ نمایشگاه چهره "گردشگاهی" خود را از دست می‌دهد و فوج، فوج انسانهایی که برای لحظه‌ای تفریح و یا خرید یک یا چند کالای نایاب به محوطه هجوم آورده‌اند، محوطه نمایشگاه را ترک می‌کنند، وظیفه اصلی نمایشگاه آغاز می‌شود. دیدار میانجی اقتصادی و فنی، البته همه روزه در خارج از محیط نمایشگاه ادامه دارد. قراردادهای پی ریخته می‌شوند و در کورس طلایی "مشارکت مقدس" در امر بازسازی اقتصادی "کشور دوست ایران"

اکثریت

نثریه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۴ مهر ۱۳۶۷ برابر ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۸
بها ۶۰ ریال سال پنجم - شماره ۲۲۶

۸ سال جنگ

دیگر هرگز مباد!

هفته گذشته از آغاز جنگی که از سیاه‌ترین رویدادهای تاریخ ایران شمرده می‌شود، ۸ سال سپری شد و هنوز روشنائی صلح ندیده است. اکنون دیگر توپخانه‌ها خاموش مانده‌اند اما هنوز بیش از دو ماه پس از پذیرش آتش‌بس مذاکرات صلح ره بجائی نبرده است. در هفته گذشته، هفته‌ای که جمهوری اسلامی به‌روال پیشین همچنان آنرا "هفته جنگ" نامید و نمایشها بر پا کرد، مذاکرات صلح بکلی منجمد شد و دیدارهای طرفین قطع گردید.

هفته گذشته رژیم در پاسخگویی به این بازخواست خشمگین مردم که: "پس آنهمه که کشته شده‌اند!" تلاش ورزید که از "آنهمه" بکاهد و بگوید در طول جنگ در هر ۲۵ دقیقه تنها یک نفر کشته شد! یکی از وزیران شمار قربانیان جنگ را ۳۴۰۰۰۰ کشته و ۶۰۰۰۰۰ معوق اعلام کرد ادعایی که همگان آنرا دروغ می‌دانند. هفته گذشته توپچی‌های ارتش عراق

بقیه در صفحه ۲

سال تحصیلی برای ۱۳ میلیون دانش‌آموز کشور آغاز شد

ماه‌در کلاس درس بودند و بعد از دو ماه ترک تحصیل اجباری، در اردیبهشت ماه پشت صندلی امتحانات زود هنگام پایان سال تحصیلی نشستند. فعالیت آموزشی در بعضی و اسفندماه گذشته نه تنها در استانهای جنگ‌زده بلکه در اکثر نقاط کشور به جز استان مازندران، گیلان و خراسان متوقف شد. در موشک‌باران شهرها که در ماه‌های یادشده به اوج خود رسید، مدارس یکی از آماج‌های اصلی بود. در این حملات، ده‌ها مدرسه ویران و انبوهی از دانش‌آموزان فرقه به خون شدند. خروج اجباری مردم از شهرها، شیرازه امور آموزش و پرورش رانیز از هم گسیخت و دیگر دانش‌آموزان و معلمان قادر نشدند در مدارس حضور یابند. تلاش رژیم برای کشاندن دانش‌آموزان و معلمان به مدارس در شرایط موشک‌باران، که عملاً به مسلخ آنان بدل شده بود، موثر نشد. در فروردین ماه سال جاری هیات دولت با تصویب تعطیل رسمی مدارس، بقیه در صفحه ۶

با فرارسیدن پائیز فعالیت آموزشی در سراسر کشور از سر گرفته شد. روز شنبه دوم مهرماه نزدیک به ۱۳ میلیون دانش‌آموز سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. در رژیم جمهوری اسلامی، شروع هر سال تحصیلی با انبوهی از مشکلات، دشواری و نگرانی همراه است. مشکل کمبود کتاب، معلم، فضای آموزشی، آژمایشگاه، امکانات ورزشی و فوق برنامه لاینحل باقی مانده و بسیج دانش‌آموزان برای اعزام به جبهه با وجود تسلیم رژیم به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ همچنان ادامه دارد. هنوز هم علیرغم آغاز فعالیت آموزشی، بسیاری از دانش‌آموزانی که می‌بایستی به کلاس اول دبستان راه‌یابند به علت کمبود کلاس و امکانات آموزشی پشت درهای مدارس سرگردانند و والدینشان نتوانسته‌اند جایی برای ثبت نام آنان بیابند. سال تحصیلی ۶۶-۶۷ بر اثر جنگ شهرها و حملات موشکی نیمه تمام خاتمه یافت. در سال گذشته ۱۲ میلیون و ۱۱ هزار دانش‌آموز تنها ۵

در برمه، زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد

در روز یکشنبه ۲۷ شهریور (۱۸ سپتامبر) دیکتاتوری در برمه جلوه بارزتری یافت. سران ارتش مستقیماً قدرت را به دست گرفتند و اگر بخواهیم شرایط برمه را با شرایط ایران دوران انقلاب به لحاظ صوری مقایسه کنیم، باید بگوییم در هفته گذشته "دوره شریف امامی" در برمه پایان یافت و اکنون "آزهار" بر مسند امور نشسته است.

حاکم تازه، ژنرال ساو مایونگ نام دارد. وی پس از قدرت گیری، یک کابینه نظامی تشکیل داد که در آن پستهای وزارت دفاع و خارجی را خود به عهده گرفت. قدرت اساساً در دست ۱۱ تن از سران ارتش قرار گرفته که جمع خود را "سازمان استقرار نظم و قانون در کشور" می‌نامند. این سازمان در روز چهارشنبه هفته گذشته (۲۱ سپتامبر) به ژنرال ساو مایونگ لقب "رئیس‌جمهور" اعطا کرد.

ساو مایونگ پس از این که در شب یکشنبه ۱۸

در این شماره

افشای دروغ رژیم عراق

در مورد بازگشت آوارگان کرد

در صفحه ۲

کودکان و آموزش در بلوچستان

در صفحه ۷

شبی در رام الله

در صفحه ۱۲

المپیک: زیبایی و توانایی

شادمانی و حسرت

در صفحه ۹

سپتامبر، واحدهای ارتشی در شهرها مستقر شدند، بیانیه‌ای صادر کرد و حکومت نظامی را خواست مردم برای برقراری "دموکراسی واقعی" نام نهاد. مردم در برابر این سرکوبگری آشکار و این ادعای و قبحانه، دست به مقاومت تهرانانهای زدند. بلافاصله خیابانهای رانگون و دیگر شهرهای عمده برمه، سنگربندی شدند و مقاومت شکل مسلحانه یافت. مردم با سلاحهای دست ساز به جنگ با نیروهای سرکوبگر پرداختند. آخرین خبرها تا اواسط هفته گذشته حاکی از کشته شدن ۴۵۰ نفر به دست نفرت ارتش است. مقاومت همچنان ادامه دارد و در رانگون مدافعی شلیک گلوله به گوش می‌رسد. سربازان دست به خانه‌گردی وسیعی زده‌اند تا هبران اپوزیسیون را دستگیر کرده و سلاحهایی را که مردم خود ساخته و یا از جنگ سربازان خارج کرده‌اند، ضبط کنند.

بقیه در صفحه ۱۴

۸ سال جنگ

دیگر هرگز مباد!

بقیه از صفحه اول

همچنان شلیک این بار در کردستان که بدانجا برای قتل هم یک خلق فرستاده شده بودند.

هفته گذشته گفته شد که رژیم عراق اجرای پروژه‌های میلیاردری را در دست بررسی دارد که با اجرای آن شط‌العرب از راهی دیگر روانه دریا خواهد شد؛ یعنی که باران‌های خرمشهر و آبادان و شاید هم بصره برای همیشه از کار بازمانند!

هفته گذشته در تهران در روزنامه ای دولتی (کیهان) نوشته شد که دست اندر کاران رژیم بر روی طرحی کار می‌کنند که مطابق آن ایران و آمریکاروابط ویژه‌ای برقرار می‌کنند تا با "خطر شوروی" مقابله شود!

هفته گذشته در سطح محدود مقامات اصلی رژیم فقها، در پشت درهای بسته، پیشنهادهای که از سوی یوسف بن‌هلوی وزیر امور خارجه همان و فرستاده ویژه "شورای همکاری خلیج" به تهران آورده شده بود، مورد حلای قرار گرفت. پیش‌تر مطالبات گزارش کرده بودند که مطابق طرح آمریکا "شورای همکاری خلیج" باید گسترده‌تر شود تا ایران را هم در برگیرد.

هفته گذشته ناوگان آمریکایی در خلیج فارس و تنگه هرمز گوش بزرگ کشیک می‌داد، در حالی که ناوگان ایرانی سربزیر به جمع آوری مین‌های رها شده در خلیج مشغول بود. گوش بزرگ که و چه بودند؟!

هفته گذشته در هتل‌های لوکس تهران جای سوزن انداختن نبود. به بهانه نمایشگاه تهران از اقصی نقاط دنیا آمده‌اند. هیچ کدامشان فرصت سرخاراندن ندارند. باید کشترا درو کنند؛ کشته‌هایشان ویرانه‌هایی است که از جنگ ۸ ساله، با خون آن همه کشته، حاصل شده است. بنا به برآوردی مندرج در روزنامه‌ای دولتی، آنچه که مسافره‌های تازه هتل‌های تهران - نمایندگان کنسرن‌ها - درازای معامله بر سر این ویرانه‌ها به چنگ خواهند آورد، همه بهای نفتی است که در همه سالهای آتی از کان‌های

ایران بیرون کشیده خواهد شد. طنز فمگنانه مردم ایران چه گویاست که: "دارند مملکتی را کلنگی می‌فروشند!"

هفته گذشته کربدورهای برخی وزارتخانه‌ها هم پر از دحام بود؛ وزارت صنایع، بازرگانی، صنایع سنگین و... بدنبال مجوز، موافقت، موافقت اصولی و... آمده‌اند. آنهایی آمده‌اند که در طول این سالها پول پارو کرده‌اند. "چمدان وطنی" ما هم پیدایشان شده است، همانا که با انقلاب تارنده شده بودند.

هفته گذشته در شب جمعه در گورستانهای شهرها و دهات باز هم غلغله بود. مادران و پدران، کودکان و بیوگان آمده بودند تا بر مزارکشته خویش مویه کنند؛ هزیری که آن همه بیهوده در سرزمینی دور دست به خاک در فطیده بود...

می‌توان از آنچه که جنگ با ما کرده است، جنگی که خمینی آنرا این همه پایدار - ۸ ساله - کرده است، بسیار نوشت؛ سیاهه‌ای بلند از فجایع، از ویرانی و از تباهی و دناقت، از سیاهکاریهای هولناک که خلقی را به خاک سیاه نشانده است. آنچه که شده است همه بتوامی در پیشاروی ماست؛ زشت و سیاه و خوفناک، درد و چرک و خون، ویرانی و آوار و آتش. اما آنچه که در پیش‌است چه؟

آنچه که در این هفته‌ها و در این ماه‌ها می‌گذرد، نشان می‌دهد که چه در پیش‌است و جز این هم نمیتوانست باشد. نتیجه جنگی نکبت بار، حرکتی پر شتاب در مسیریک سیاست نکبت بار است.

جنگ نکبت بار را بالاخره مردم متوقف کردند و آتش بس بدست آمد که هنوز صلح نیست. در حالیکه مردم مصمم‌تر از همیشه می‌خواهند که دیگر هرگز جنگ نباشد. اراده مردم می‌تواند براکراه جنگ‌افروزان در پذیرش صلح نیز چیره شود. اما حرکت پرشتاب در مسیر یک سیاست نکبت بار ذاتی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی است که جز بانابودی آن گسسته نمی‌شود؛ رژیمی که مسئولیت آنهمه فجایع را برعهده دارد.

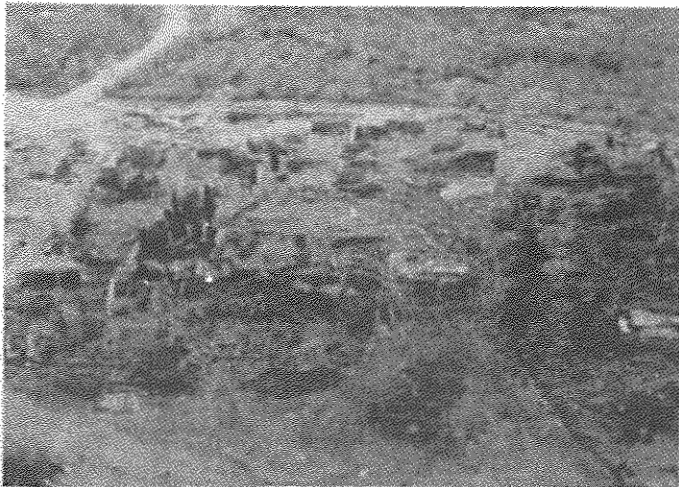
افشای دروغ رژیم عراق
در مورد بازگشت آوارگان کرد

پرواز می‌کردیم. در زیر مزارهی دیده می‌شد که در آنها انسانی نبود. هر چه بود دهکده‌های ویران و زمینهای سوخته بود. همکارانی که ده سال پیش اینجا را بازدید کرده بودند، می‌گفتند این منطقه در گذشته بسیار سرسبز بود، مزارع فراوان و جمعیت کثیری داشت. اما اکنون قلب منطقه کوهستانی عراق تقریباً خالی از سکنه است. صدها مزار کرد را به اجبار به جای دیگر منتقل کرده‌اند. بافت شیرینی کاملاً بهم خورده است. در شهر دو هک، فرماندار آن منطقه تاکید کرد که در اطراف دو هک ارتش حداقل ۲۰۰ آبادی را ویران کرده است.

... به پرواز خود ادامه دادیم. جنگل و مزارع، اما از اهالی کسی رانمی‌بینیم. پس گجایند آن ۱۵۰۰۰ نفری که روزنامه "بغداد ابرور" مدعی است از ترکیه به عراق بازگشته‌اند؟ در زاخو گذرگاه مرزی ترکیه و عراق، هلی‌کوپترمان به زمین نشست. از این گذرگاه روزانه ۲۰۰۰ کامیون ترکیه‌بهر می‌کنند تا هر روز حدود ۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت عراقی را به ترکیه حمل کنند. اما ما نه برای تماشای این کامیونها، بلکه کردهایی رفته بودیم که می‌گفتند مدام دسته دسته به عراق باز می‌گردند. ساهتی منتظر ماندیم. هیچ کس نیامد. همراهان عراقی ما نتوانستند یکی از آن "۱۵۰۰۰ نفر" را به ما نشان دهند.

رژیم صدام حسین مدعی است پس از این که به کردهای عراقی به اصطلاح "هغو همومی" داده شد، هر روز تعداد کثیری از پناهجویان کرد در ترکیه، به عراق باز می‌گردند و تا کنون شمار آنها به ۱۵۰۰۰ نفر رسیده است. رژیم صدام حسین در این رابطه نمایش‌هایی ترتیب داد و از هدهای از خبرنگاران دعوت کرد تا برای بازدید از بازگشت کردها، به کردستان عراق سفر کنند و در واقع به تماشای آن نمایش‌ها بروند. نمایش‌های ترتیب داده شده آنچنان ساختگی و دروغین بودند، که کسی را گول نزد. در این زمینه خبرنگار روزنامه آلمانی زود دوپچه تسایتونگ گزارشی تهیه کرده که در شماره ۲۰ سپتامبر این روزنامه درج شده است. خبرنگار متذکر می‌شود که همه جا در مصیبت سربازان عراقی بوده و هیچ امکانی برای تماس مستقیم با مردم وجود نداشته است. این خبرنگار می‌نویسد یورش رژیم بغداد به کردستان عراق آنچنان وسیع است که اکنون در آن خطه تعداد مقرهای نظامی بسی بیشتر از تعداد روستاهای ویران نشده است.

در بخشی از گزارش خبرنگار زود دوپچه تسایتونگ از کردستان عراق چنین آمده است: "در ارتفاع کم، بر فراز زاخو، گذرگاه مرزی عراق و ترکیه،



ویرانه‌ای بر جامانده از یک دهکده کردی

نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

بقیه از صفحه اول

اقتصادی سرمایه داری وابسته است که رژیم جمهوری اسلامی از شاه به ارث برد و تنها آنرا از "زرق و برق" انداخت و از سوی دیگر اقتصاد جنگ زده و ویران است، که به خودی خود "مشارکت مقدس" شرکت های چند ملیتی را مطرح می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که در دوران "سرد" انزوا و تحریم اقتصادی همواره گرم ترین مناسبات را با کشورهای امپریالیستی درجه اول حفظ کرده است، اینک پس از ۸ سال جنگ ویرانگر با اقتصادی فلج و ویران مواجه است. صادرات غیر نفتی کشور را، هرگاه از جaro جنگل تبلیقاتی رژیم که تنها بار و ارزش هوامرایی دارد، تفکیک نکنیم، اصلا چیز جدی به حساب نمی آید. صادرات نفت کشور هم با توجه به بهای نازل نفت و سهمیه محدود جمهوری اسلامی، قادر نخواهد بود بر زخم های اقتصادی مرهم نهد، موضوع درمان این زخمها که اصولا متوله دیگری است.

ساخت اقتصادی کشور و ساخت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی برای بازسازی مقدس اقتصادی و

همرانی کشور تنها یک راه پیش می نهد، روی آوردن به سوی "دلار مقدس" و اهوای و انصارش. اخذ اعتبارات خارجی، پیشبرد طرح های وابستگی زای اقتصادی از قبیل استفاده از پدیده "یوزانس"، سیستم "بای-بک" و حتی اجاره صنایع و نیروهای مولده داخلی به انحصارات خارجی بطور مستقیم. این "دلار" البته "دلار اسلامی" نیست ولی بهر حال "دلار ادیان پنجگانه و صاحب کتاب" است و باب "تجارت آزاد" هم در نقه به کرات مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. و بدین ترتیب شرع مانع کار نیست.

برای "وصل کردن" اقتصاد ویران کشور و "دلار مقدس" دلالتان بی شماری به راه افتاده اند؛ چهاردهمین نمایشگاه تهران یکی از پاتوق های دلالتان اصلی به حساب می آید. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در خطبه های نماز جمعه ۲۵ شهریور تهران در خصوص این نمایشگاه و این "دلالت" معروف محبت گفت: "تشکیل این نمایشگاه، مظهر ارتباط تجاری و بازرگانی میان کشور ما و دیگر کشورهای جهان است."

کشورهای امپریالیستی و شرکت های چند ملیتی نیز این نمایشگاه را مظهر چنین ارتباطی به حساب می آورند. از این رو، همراه کالاها و مصنوعات صنعتی خود، پیام ها و پیشنهادهای را هم به نمایش گذاشته اند. این چنین است که در تهران دو نمایشگاه همزمان جریان دارد. نمایشگاه کالا و نمایشگاه روابط اقتصادی. نمایشگاه اول، بهانه برگزاری نمایشگاه دوم است. نمایشگاه اول خاتمه می یابد، نمایشگاه دوم با جدیت بیشتر به کار خود ادامه می دهد. جمهوری اسلامی برگزار کننده نمایشگاه اول است و شرکت کننده نمایشگاه دوم، هم اوست که در نمایشگاه دوم، اقتصاد ویران کشور را به نمایش می گذارد و از دوستان امپریالیستی اش - چه دوست خطاب می کنند - می طلبد "مهر سرمایه" را به کشور جنگ زده سرازیر کنند.

البته عده ای "بازی خورده" که خود تحت تأثیر شعارها و تبلیقات پوشالی قرار گرفته اند، در هیات همان "حزب الهی های" سابق در جریان مرآوده ها و بده بستان ها، موش دوانی می کنند.

برخی از این افراد "نسل گذشته" رژیم، هنوز در همان فضای اقتصاد و سیاست جنگی نفس می کشند.

اخیرا همین عده بازمانده از نسل گذشته، همین کسانی که هنوز تلخی نوشیدن "زهر" آزارشان می دهد، همین کسانی که تفاوت مبلقین و طرف تبلیغات را نفهمیده اند، تفاوت بازیگر و تماشاچی را درک نکرده اند، همین کسانی که بین صحنه های کاملاً متفاوت "امت همیشه در صحنه" و "مسئولین همیشه در صحنه" تفاوتی قائل نشده اند، نتوانسته اند چهره جدید اسلام دوران بازسازی را دریابند. "حرف های غیرمسئولانه" می زنند و به روند بازسازی اهتمام متقابل بین بازسازی و دلار مقدس خدشه وارد می سازند. خامنه ای رئیس جمهور رژیم در همان نماز جمعه پیش گفته به این بازماندگان نسل گذشته هشدار داد. روزنامه کیهان ۲۶ شهریور به نقل از خطبه های رئیس جمهور رژیم نوشت:

"وی خطاب به عده ای که حاضر به پذیرفتن مسئولیت نیستند و حرف های نادرست می زنند، تذکر داد: ... دنیا در حال حاضر منتظر است تا چگونگی بازسازی ایران و کیفیت را مشاهده کند و ما برای اینکه بقیه در صحنه

نگاهی به فرقه های داخلی

فرقه های داخلی نمایشگاه تهران را، گفتی به نمایشگاه سنجاق کرده اند. چیزی برای خالی نبودن هر ریضه، چه هم خودشان و هم کشورهای دیگر به خوبی می دانند که موضوع بر سر رقابت

اجناس داخلی با اجناس خارجی نیست، موضوع نمایشگاه البته بسط و گسترش مناسبات بازرگانی و تجاری است، ولی بسط و گسترش این مناسبات جاده ای یک طرفه است، از بیرون به داخل،

روزنامه کیهان ۲۶ شهریور ماه، گزارش مختصری از بازدید از فرقه های داخلی را به چاپ رسانیده است که ما آنرا همینجا بازتاب می دهیم:

طرف الومینیومی آنجا بود یک نفر پرسید که آقا این نمونه سموم که اینجا است را تولید میکنید؟ مسئول غرفه پاسخ داد که کارخانه تاسیس بشود از این نمونه تولید می کنیم، گفت کارخانه در چه حال است گفت به مناقصه رفتیم تا کارخانها آنرا پیدا کنیم و بعد بهریم. در کنار این غرفه غرفه شرکت سهامی پتروشیمی اراک بود، اینجا هم چندتا عکس بود، و بعد حدود ۲۰ عدد ظرف که محصولات مختلف پتروشیمی در آن ریخته بود، سؤال کردند که آیا محصولات شما اینجا است جواب دادند اگر کارخانه تاسیس شود اینجا را تولید خواهد کرد، سائل از مسئول غرفه پرسید چه کسی می سازد و کی تمام می شود و ... و مسئول غرفه پاسخ می داد که به شرکت های خارجی مقاطع داده شده که تا سه سال دیگر حاضر شود، بیهوش با خداست و حدوداً ۲ کشور خارجی در ساختن آن دخالت دارند که به سازنده تحویل دهند. اینجا تازه اول نمایشگاه بود،

بدوم، فرهنگ نمایشگاه مگر جز تبلیغ مصرف است؟ وقتی تولید نیست برای چه تبلیغ می کنیم؟ اتوبوس های بنز خاور که در تمام ایام خود وابسته هستند را مگر می فروشند پس برای چه تبلیغ می کنند؟ اگر تبلیغ برای ساختن است ساختن کدام قسمت آن؟ مونتاژ؟ خانم های خانه داری بودند که با بچه ها ۵۰٪ جمعیت را تشکیل می دادند و برای گردش و تفریح خود و بچه ها آمده بودند و این تنها هدف سالم این نمایشگاه بود. بچه ها بستنی می خوردند سوار پله برقی و آسانسور می شدند، و بعد سوار اتوبوس های نمایشی متوقف صنایع سنگین می شدند و همینطور خود را سرگرم میکردند. بعضی ها هم با کله کج در مقابل بعضی از غرفه ها ایستاده بودند و در حال سؤال و جواب که معلوم بود روحشان سخت گزیده شده است. در غرفه بانک ملی یک مقدار صنایع بود از جمله شرکت شیمی کشاورزی غرفه داشت چندتا

بطور مثال و ذکر نمونه طرح و نمایش مجموع فعالیت های کاشی سازی، که به هیچ عنوان قادر به پیدا کردن کاشی در بازار نیستیم به چه منظور است؟ صنایع چوب، صنایع غنای، صنایع بافندگی، صنایع ماشین سازی و ... در مورد شرکت این صنایع باید گفت که اولاً تمام این صنایع به عللی زیر ظرفیت کار کرده و همه وابسته اند و هیچ کدام جز به قیمت های سرسام آوری نمی توانند در اختیار مردم قرار گیرند. ثانیاً تولیدی ندارند که مشکل تبلیغ و فروش داشته باشند پس طرح به چه منظور است؟ صنایع کاغذ سازی چه برای گفتن دارند، چه آوردی را عرضه میکنند؟ و منظور از بد نمایش گذاشتن آن چیست؟ نمایش چه و برای چه؟

و همینطور مداد سازی، یک خانم معلمی در حالیکه شاهد مدادها بود، میگفت توی مدرسه جواب بچه ها را چه

انبار می‌شود. شناسایی افراد، از طریق سیستم‌های اختصاصی پایگاه و با آرایه یک شماره ۹ رقمی و کد مربوط به هر یک از اتحاد جمعیت کشور صورت خواهد گرفت.

معاون طرح و برنامه سازمان ثبت احوال هفته گذشته در گفتگویی با خبرنگاران در زمینه برخی از مختصات "طرح" گفت: از ویژگیهای این طرح که برای اولین بار اجرا می‌شود اصلاح سیستم ثبت احوال، ایجاد نظام پایگاه اطلاعات جمعیتی، تولید و نیز توزیع شماره شناسایی تک تک افراد کشور است.

از میان دیگر رویدادها

محمد جواد لاریجانی مسئول روابط آمریکا و اروپای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در دیدار با "رومان دوما" وزیر خارجه فرانسه، از وی جهت سفر رسمی به ایران دعوت کرد که بنا به گزارش روزنامه کیهان ۱۷ شهریور "با گرمی مورد پذیرش قرار گرفت". بنا به همین گزارش، وزیر امور خارجه فرانسه گسترش روابط اقتصادی با ایران و انتصاب یک مشاور بازرگانی در تهران را اعلام نمود. وی در گفتگویی با رادیوی لوگزامبورگ اعلام داشته بود که "مادر مسیری که مصممانه از سوی دولت فرانسه با اعتقاد به هادی سازی روابط برگزیده شده، پیش می‌رویم".

بر اساس طرح "اتوبوسهای ریالی" از این پس مسافران بجای استفاده از بلیت، پول نقد به راننده اتوبوس می‌پردازند. بر اساس این طرح امنیت شغلی هده کثیری از بلیتفروشان شرکت واحداث اتوبوسرانی به مخاطره می‌افتد.

بهای نفت خام پایه خاورمیانه "دوبی" تحویلی در ماه اکتبر در معاملات بازار آزاد معادل ۳۰ سنت کاهش یافت و به ۱۱/۹۷ دلار رسید.

گذشته قائم مقام کمیته‌های انقلاب اعلام داشت که در صورت تصویب طرح اقدامات تشکیلات موازی انتظامی کشور، فرماندهی واحد و متمرکز کمیته‌ها و ژاندارمری شامل واحدهای لجستیک، آموزشی و... نیز خواهد بود.

معاون فرمانده کمیته‌ها در ادامه اظهارات خود به اجرای طرح و العادیات اشاره کرد و آماری از فعالیت‌های کمیته را آرایه داد. در پی انتشار سخنان معاون اطلاعات و عملیات کمیته در زمینه "طرح و العادیات"، روابط عمومی نهاد ریاست جمهوری با صدور اطلاعیه اعلام کرد که "چنین طرحی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام نرسیده" است. و در واقع وزارت کشور با مسئولیت محتشمی خود را ساوارد عمل شده و در مقابل "مجمع" قرار گرفته است. بر زمینه اجرای طرح "و العادیات" بود که اخیراً محله جمشید تهران را بکلی منهدم کردند.

جمعیت کشور بایک

شماره ۹ رقمی کدبندی می‌شود

طی سال‌های آینده هر ایرانی دارای یک شماره ۹ رقمی در پایگاه کامپیوتری "اطلاعات" کشور می‌شود و او گانه‌ای دولتی از طریق این "شماره" در فاصله کوتاهی می‌تواند به "اطلاعات" مورد نیاز خود در مورد هویت افراد کشور دست یابد. عملیات طراحی و اجرایی پایگاه مکانیزه اطلاعات جمعیت کشور از اول سال جاری آغاز شده و برای تکمیل پروژه آن ۳۰ میلیارد ریال اعتبار در اختیار وزارت کشور قرار گرفته است. در این پایگاه حداقل یک میلیارد داده اطلاعاتی در زمینه‌های تشخیص هویت و آمار انسانی و حقوقی

مجازات اعدام برای سربازان فراری

سربازان فراری که تا ۱۸ مهرماه خود را به مراکز نظامی جمهوری اسلامی معرفی نکنند به دستور شورایی عالی پشتیبانی جنگ به مجازات اعدام محکوم خواهند شد.

در اطلاعیه‌ای که روابط عمومی ژاندارمری در مورد مشمولان قایب و سربازان فراری انتشار داد، نوشت: به این وسیله به آگاهی کلیه مشمولان قایب می‌رساند برابر مصوبه شورای عالی پشتیبانی جنگ بایستی تا تاریخ ۱۸/۷/۶۷ خود را رجعت اعزام به خدمت دوره ضرورت معرفی کنند.

این قبیل مشمولان چنان که خود را بعد از تاریخ اعلام شده معرفی کنند، علاوه بر میزان خدمت مقرر فعلی، یکسال به خدمت آنان افزوده شده و به ازای هر یک ماه تاخیر، دو ماه اضافه خدمت خواهند شد و در صورت دستگیر شدن، به ازای یک ماه تاخیر دو ماه اضافه خدمت و علاوه بر آن دو سال نیز به خدمت آنان افزوده خواهد شد. ضمناً سربازان فراری نیز چنانچه تا تاریخ ۱۸ مهرماه خود را معرفی ننمایند تا حد اعدام مجازات خواهند شد. در اطلاعیه قبلی که یک ماه پیش انتشار یافت، آخرین مهلت معرفی ۱۸ دی ماه ذکر شده بود.

تشکیل فرماندهی واحد کمیته و ژاندارمری

در راستای اقدام نیروهای مسلح سپاه و ارتش، اقدامات عملی در "کمیته‌های انقلاب اسلامی" و ژاندارمری کشور آغاز شد. هفته

وزیر تازه برای دولت موسوی

هفته گذشته میرحسین موسوی شش نامزد تازه وزارت را برای وزارتخانه‌های جهاد سازندگی، آموزش و پرورش، سپاه، نیرو، کشاورزی و بازرگانی به مجلس معرفی کرد. مجلس در جلسه ۲۹ شهریور، از میان شش نفر به ۵ وزیر رای اعتماد داد. ولی مجید هدایت زاده که برای پست وزارت بازرگانی معرفی شده بود، نتوانست حداقل آرای لازم را برای حضور در کابینه موسوی کسب کند.

در جریان بررسی عملکرد وزرای معرفی شده، اختلافات در میان نمایندگان بالا گرفت و برخی نمایندگان از جمله محتشمی تنها با تکیه بر اظهارات کتبی خمینی توانستند جای پای خود را در جمع وزرا حفظ کنند. مظفری نژاد نماینده تهران به هنگام دفاع از محتشمی به همین نامه خمینی استناد کرد و گفت: "امام در مورد وزیر کشور نیز نوشتند که جناب حجت الاسلام آقای محتشمی ایدهم الله‌عالی از دوستان قدیمی من و فردی متدین... است".

علیرغم فتوای کتبی خمینی، ۱۵۶ رای علیه محتشمی به صندوق ریخته شد.

پست وزراتی	نام	مجموع آرا	آرای موافق	مخالف	ممتنع
امور خارجه	علی اکبر ولایتی	۲۳۸	۲۲۵	۸	۸
دادگستری	حسن حبیبی	۲۴۴	۲۱۶	۱۴	۱۴
تلفن و تلگراف	محمد قریحی	۲۴۲	۲۴۲	۲۵	۷
سپاه پاسداران	علی شمعخانی	-	۲۵۲	-	-
جهاد سازندگی	فلامر خاوریوش	-	۱۸۵	-	-
نیرو	نامدار زنگنه	-	۱۷۷	-	-
کشاورزی	کلانتری	-	۱۷۱	-	-
آموزش و پرورش	محمد علی نجفی	-	۱۲۸	-	-
برنامه و بودجه	مسعود رجایی	۲۳۹	۱۹۲	۳۱	۱۶
معادن و فلزات	محمد عزت‌اللهی	۲۴۱	۱۸۶	۲۲	۳۳
فرهنگ و آموزش عالی	محمد فرمادی	۲۴۱	۱۷۶	۵۳	۱۲
اقتصاد و دارایی	محمد ایروانی	۲۴۵	۱۷۵	۴۶	۲۴
وزیر ارشاد	محمد خاتمی	۲۴۷	۱۷۵	۵۷	۱۵
راه و ترابری	محمد سفیدی کیا	۲۳۵	۱۶۶	۵۳	۱۶
نفت	آقازاده	۲۴۴	۱۶۳	۶۳	۱۷
اطلاعات و امنیت	محمد ریشتری	۲۴۳	۱۵۴	۶۶	۲۳
دفاع	محمد حسین جلالی	۲۴۴	۱۳۸	۶۹	۳۷
صنایع	محمد شافعی	۲۴۲	۱۳۴	۸۷	۲۱
کار و امور اجتماعی	ابو القاسم سرحدی زاده	۲۴۴	۱۳۳	۹۷	۱۴
کشور	علی اکبر محتشمی	۲۴۵	۱۳۳	۱۵۶	۶
صنایع سنگین	بهر ادیبی	۲۴۴	۱۲۸	۹۹	۱۷

استادشهریار

درگذشت

امداد روز یکشنبه ۲۷ شهریور استاد محمدحسین شهریار شاعر فزلسرای معاصر ایران در سن ۸۳ سالگی در بیمارستانی در تهران دیده از جهان فروست. پیکر استاد روز سه شنبه در میان انبوه انبوهی از جمعیت شهر تبریز، در گورستان شاعران آذربایجان به خاک سپرده شد. شهریار متولد "خوشکناپ" از قرائی توابع تبریز بود.

استاد شهریار از چهره‌های برجسته شعرای معاصر ایران بود. وی در انواع قالب‌های شعر فارسی، به ویژه غزل شعر سروده است. اولین مجموعه سروده‌های شهریار به سال ۱۳۵۷ با مقدمه‌ای به قلم ملک الشعرای بهار و سعید نفیسی انتشار یافت. دیگر آثار استاد در مجموعه‌ای بنام "دیوان شهریار" چاپ شده است.

منظومه بلند "حیدربابایه سلام" که به زبان آذری سروده شده، از شاهکاری‌های شهریار و از آثار ماندگار ادبیات آذری است. در این اثر قدرت شگرف تخیل، تصویرپردازی، ابداع، فنی کلام و زبان، تسلط بر مصطلحات و تعبیرات همایانه و زبان محاوره‌ای شاعر به بارزترین گونه تجلی یافته است.

"حیدربابایه سلام" به لحاظ درآمیختگی زبان دل‌انگیز همایانه با جاذبه‌های فولکلوریک و لطافت احساس، از سایر سروده‌های شاعر چون "سهندیه" پرآوازه‌تر است.

منظومه بلند "حیدربابایه سلام" در اشعار نخست گفتگوی ست شورا انگیز

و اثرگون با "حیدربابا" و سخنی از آرزوهای مردمی شاعر و شکوه‌ای از شب‌های بلند مهر و غربت، و در پی آن؛ اشعاری است که شاعر تحت تاثیر وصال "کوه حیدربابا" سروده و نگاهی است از پنجره خیال به باغ خاطره. در این بخش شاعر از گذشته و از هم‌بازیهای دوران کودکی بایبانی سرشار از سادگی و صفای مردمی یاد می‌کند و در پایان از "حیدربابا" می‌خواهد که طنین آوازش را به گوش جویباران زمزمه کند.

آنچه در این صفحه می‌خوانید گزیده‌ای از منظومه "حیدربابایه سلام" است.

حیدربابایه سلام

حیدربابا، مرداو قولا دو فگیان،
نامر داری، بور و نلارین اوو گیان،
گدیگر ده، تور دلا ری توت بو فگیان،
قوی تو زولار، آیین خایین او تلا سین،
قویو نلارون، قویو و نلارین قاتلا سین!

حیدربابا، گو یلر بوتون دو مانی
گو نلریمیز بیر جیریندن، یاماندی
بیر بیر زدن آیرلایون آماندی!

یا خشیقی، الیمیز دن الیلار!
یا خشی بیزی، یامان گونه سالیلار!

بیر او چیدیم، بو چر بیتان یگین
باقلا شیدیم، دافدان آهان سگین
آقلا شیدیم، او زاق دوغن اکلین

بیر گوریدیم، آیرلیقی کیم سالدی!
او لکه میز ده کیم قردلی کیم قالدی!

من سنون تک، دافا سالم نفسی،
سنده قیتر دافلار اسال بو سسی،
باقو شو نداء، دار الماسین ققسی

بور دایر شر دار داقالیب باقیر!
مرو تسیر، انسانلاری چاقیر!

حیدربابا، شیطان بیز از دیر یپ
محبتی اور کلر دن تاز دیر یپ
قره گونون، سر نوشتن یاز دیر یپ

سالیب خلقی بیر جیرین جان!
بار شیقی بلشدیر یپ قاتا!

حیدربابا در خود فرزند دلیبر پیرور
و چو زه نامر دمان روزگار رابه خاک برکش
زوزه گر گهار ادر گردنه ها خاموش ساز!
بگذار تابره هادر آرامش بیاساند
و گو سفندان پروار شوند
حیدربابا آسمان تیره و طوفانی
و روزهایمان دشوار و ناگوار است
مبادا از یکدیگر جدا شوید

مهربانی و نیکویی را از ما گرفته‌اند
بر چه خاک سیاهی ما را نشانده‌اند
ای کاش یکبار، با باد تند آسا و ج می گرفتم
و با سیل خروشان کز فراز کوه سرازیر ست، می تاختم
با خلقتی تک افتاده همراز و همدر می شدم
کاش در می یافتم بنیاد جدایی را که پی افکنده است
و در زادگاهمان کی مرده، کی بجاست

من آوایم را چون تو به کوه رساندم
تو پژواک آن رابه کوهها و آسمانها برسان
کاش حتی جغد شوم هم رها از تنگنای قفس باشد
اینجا شیرینی است که از تنگنای در می فرد
و آدمیان بد کردار را ز نهار می دهد

حیدربابا، اهر من مارا فریفته
محبت هار از دل هار دوده
و سیاه بختی را ر قم زده
خلق رابه جان همه انداخته
و صلح را در خون نهشته است

من آوایم را چون تو به کوه رساندم
تو پژواک آن رابه کوهها و آسمانها برسان
کاش حتی جغد شوم هم رها از تنگنای قفس باشد
اینجا شیرینی است که از تنگنای در می فرد
و آدمیان بد کردار را ز نهار می دهد

حیدربابا، اهر من مارا فریفته
محبت هار از دل هار دوده
و سیاه بختی را ر قم زده
خلق رابه جان همه انداخته
و صلح را در خون نهشته است

حیدربابا، اهر من مارا فریفته
محبت هار از دل هار دوده
و سیاه بختی را ر قم زده
خلق رابه جان همه انداخته
و صلح را در خون نهشته است

حیدربابا، اهر من مارا فریفته
محبت هار از دل هار دوده
و سیاه بختی را ر قم زده
خلق رابه جان همه انداخته
و صلح را در خون نهشته است

حیدربابا، اهر من مارا فریفته
محبت هار از دل هار دوده
و سیاه بختی را ر قم زده
خلق رابه جان همه انداخته
و صلح را در خون نهشته است

نمایشگاه تهران، نمایشگاه وابستگی بیشتر!

امکانات داخلی، دولتی و مردمی
از تخصص، علم، دانش فنی و منابع
مالی دیگران نیز استفاده
می‌شود.

روزنامه کیهان در ادامه نقل
سخنان خامنه‌ای نوشت: "وی از
افراد ناآگاه و بی مسئولیت خواست
که از ایراد حرفها و شعارهای پوچ
و بی محتوا بپرهیزند و از منشیت
کردن افکار مردم خودداری
کنند."

بدین ترتیب مقدمات بازسازی
مقدس با مشارکت نیروهای مردمی
داخلی - بورژوازی و کلان
سرمایه داران - و منابع مالی
دیگران - دلار مقدس و اهوان
وانصارش - پی ریخته می‌شود. با
این همه، همه مسئولین رژیم
سیاست "درهای باز" را محکوم
می‌کنند، ولی فراموش می‌کنند که
به مردم بگویند که تخصص، علم،
دانش فنی و منابع مالی دیگران،
دیر زمانی است که برای رفت و
آمد، از "مرزهای زمینی"
استفاده نمی‌کنند!

نمایشگاه اول خاتمه یافت.
نمایشگاه دوم به کار خود ادامه
می‌دهد. نمایشگاه دوم، نمایشگاه
جدیدی در وابستگی اقتصادی
کشور است.

پرواض است که کدام "مردم"
مد نظر می‌باشد.

خامنه‌ای در اخطارنامه خود
به افراد غیر مسئول که
حرفهای نادرست می‌زنند، گفت:
"همه‌ای هنوز در این مسئله تردید
دارند و در استفاده از منابع مالی
خودمان نیز هنوز تنگ نظری‌هایی
وجود دارد." خامنه‌ای با اضافه
کردن کلمه "هنوز"، صریحا بیان
می‌کند که این عده غیر مسئول
هنوز تردید دارند و تنگ نظری
می‌کنند، حال آنکه "ما" یا اصولا
هیچگاه تردید و تنگ نظری
نداشتیم و یا داشتیم و اینک
دیرگاهی است که نداریم.
خامنه‌ای خطاب به این عده
"عقب مانده" گفت: هلی رخم
اینکه بارها بوسیله مسئولین و حتی
بوسیله حضرت امام در زمینه
چگونگی استفاده از امکانات کشور
در بخش‌های کشاورزی، خدمات،
تجارت و غیره، اصول کار تصریح
شده است، بجز اساس یک بینش خیالی
هنوز عده‌ای تصور غلط دارند."

وی تاکید کرد: "برای
بازسازی کشور باید تمامی امکانات
کشور به کار گرفته شود. و
در این راه ضمن استفاده از

بقیه از صفحه ۳
بازسازی را در مدت زمان معقول
تحقق دهیم، به منابع داخلی و
به تخصص و منابع خارجی
نیاز مندیم."

رئیس جمهور رژیم حتی بیش
از این اظهار بیان کرد: "در
بازسازی، مسئولین و کارشناسان
داخلی تصمیم می‌گیرند
و برنامه‌ریزی می‌کنند، ولی در
صورت نیاز از کمک و همکاری
دیگران استفاده خواهد شد."
این دیگر بی گمان "شاه بیت"
سیاست اقتصادی کشور است.
خامنه‌ای صرفا از استفاده از تخصص
و منابع خارجی سخن نمی‌گوید،
بلکه سخن از "همکاری دیگران"
در عرصه "تصمیم‌گیری و
برنامه‌ریزی" می‌گوید. منابع
خارجی نیازی به تفسیر و شرح
ندارند، چه رژیم تصمیم خود را در
این زمینه گرفته است و از هم اینک
این منابع خارجی و رژیم هم‌دیگر
را کشورهای دوست خطاب می
کنند، اما "منابع داخلی" کدامند؟
منابع داخلی بی گمان امکانات
دولتی نیستند، این منابع داخلی
همان "مردم" سخنان حمینی
می‌باشند، همان مردمی که باید
کار را برعهده بگیرند و البته

سال تحصیلی برای ۱۳ میلیون دانش آموز کشور آغاز شد



استانه سال تحصیلی به درخواست مالکان و با تأیید "حکام شرع" اثاثیه ده ها مدرسه تخلیه می شود و هزاران دانش آموز بلا تکلیف می مانند هم اکنون وزارت آموزش و پرورش ۳۶۸۵ باب مدرسه استیجاری در اختیار دارد. ۹۵۳ باب از مدارس در استان تهران و ۸۷۱ باب در شهر تهران قرار دارند که بابت اجاره آنها سالانه حدود ۱۰۰ میلیون تومان از بودجه آموزش و پرورش به صاحبان مستغلات پرداخت می شود.

شهریه و مشکل ثبت نام

ادامه تحصیل یک دانش آموز و دانشجوی در شرایط جاری برای هر خانواده با هزینه هنگفتی همراه است. قیمت روپوش، کیف و کتاب روز بروز گرانتر می شود و نوشت افزار به کلی نایاب است. در مدارس نیز از مردم به هنگام ثبت نام فرزندان خود زیر پوشش "شرعی" اخاذی می کنند پرداخت کمک های نقدی "به جای شهریه" شرط ثبت نام شده است. اگر از پرداخت "کمک نقدی" که اصلاً هم اجباری نیست خودداری شود، طبق بند اول "بخشنامه شرایط ثبت نام" به بهانه اینکه "گنجایش منطقه ای" تکمیل است، در هیچ مدرسه ای جای خالی یافته نخواهد شد. در این زمینه نوشته یکی از روزنامه های کشور گویاست: "مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران فرمودند ما با مردم چیزی پشت پرده نداریم و صراحتاً اعلام می کنیم که به کمک های مردمی نیازمندیم ... با چاپ قبوض مخصوص در سه نسخه، اخذ شهریه تقریباً رسمیت دارد، منتهی به نام کمک های مردمی."

حکمت در آموزش و پرورش منصرف شده اند. در سال تحصیلی گذشته نیز برای ۲۲ هزار پست خالی شغل معلمی وزارت آموزش و پرورش، فقط ۱۸ هزار تن داوطلب شدند. کمبود حقوق و امکانات رفاهی، تأکید رژیم بر مکتبی بودن معلمان دامنه کمبود معلم را گسترش داده است. در سال گذشته برخی از مدارس دخترانه از آنجا که معلم زن برای تدریس ریاضی و علوم تجربی نداشتند، این رشته ها را از فعالیت آموزشی خود حذف کردند

کمبود فضای آموزشی

برای آن که کمبود فضای آموزشی در همین سطح فعلی متوقف نگه داشته شود، سالانه باید حداقل ۴ هزار واحد آموزشی جدید برای یک میلیون دانش آموز "واجب التعلیم" ساخته شود. بیلان رژیم در این عرصه نیز سیاه است. طبق گزارش دولتی در بودجه سال ۶۴، فقط برای احداث ۱۰۰ واحد آموزشی اعتبار تخصیص یافته بود. در سال های ۶۵ تا ۶۷ نیز همین سیاست پی گرفته شد. اگر در سال ۶۴، کلاس درس در اتوبوس دوطبقه استقامتی شرکت واحد تشکیل شد در سال ۶۷ از ساهت آموزشی دانش آموزان کاستند و مدارس را ۴۱ شیفته کردند که خود یکی از عوامل مهم افت تحصیلی بوده است.

باجتنباب از تاسیس مدارس تازه، وزارت آموزش و پرورش به یکی از بزرگترین مستاجران کشور بدل شده است. سیاست اجاره نشینی برای جبران کمبود فضای آموزشی، موجب شده است که سرنوشت دانش آموزان کشور، دستخوش تمایلات مالکان و تاجران بازار باشد. همه ساله در

علمی و فرهنگی، محرومیت دانش آموز از خدمات یکسان آموزشی، تغییر اجباری گرایش های آموزشی را در پی دارد. با تغییر گرایش ها، توزیع متناسب دانش آموزان در میان رشته های علوم ریاضی، تجربی، علوم انسانی، علوم اقتصادی و اجتماعی، هنر و شاخه صنعت و خدمات به سمت افزایش کمی دانش آموزان در رشته های علوم انسانی و خدمات دگرگون می شود و پشتوانه علمی کشور در زمینه علوم ریاضی و تجربی از بین می رود. آمار بیانگر رشد این روند طی سال اخیر در نظام جمهوری اسلامی است. در سال تحصیلی ۶۲-۶۳ تعداد فارغ التحصیلان کلاس چهارم در رشته ریاضی و فیزیک ۹۵۱ نفر (۷/۶ درصد) و رشته اقتصاد و اجتماعی ۷۱۷۵۳ (۵۰/۶۵ درصد) بوده است. در کنکور سال جاری نیز از ۶۰۳ هزار داوطلب شمار داوطلبان علوم انسانی ۲۴۲ هزار نفر و گروه ریاضی ۹۶ هزار تن بوده است.

کمبود معلم

در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ وزارت آموزش و پرورش با ۴۰ هزار نفر کمبود معلم مواجه بود. در فاصله دو دوره تحصیلی بیش از ۱/۵ میلیون نفر بر شمار دانش آموزان افزوده شده است. در این مدت آمار معلمان تغییر قابل ملاحظه ای نسبت به گذشته نکرده است. ۱۸ هزار تن استخدام شده اند و در مقابل ۱۰ هزار نفر از معلمان تحت عنوان ماموریت سازمانی به سپاه پاسداران انتقال یافته اند. در آذرماه سال گذشته تصمیم گرفته شد که این عده به عنوان مربی آموزش نظامی در پادگان های نظامی فنون رزمی را فراگیرند و در مراکز بسیج پاسداران انجام وظیفه کنند. گزارشات مطبوعات دولتی حاکی است که علیرغم بیکاری گسترده در کشور رقبته جوانان به فعالیت در آموزش و پرورش کمتر شده است. در سال ۶۳ از میان قبول شدگان مرکز تربیت معلم ۳۷ نفر از ادامه تحصیل در این مرکز و

بقیه از صفحه اول درقبال وظایف آموزشی کشور از خود سلب مسئولیت کرد. طرح آموزش تلویزیونی و "سال تحصیلی جبرانی" که برای جلوگیری از افت تحصیلی و رکود آموزشی اجرا شد در عمل از آنجا که منطبق بر واقعیت ها نبود، نه تنها ارزش آموزشی نیافت بلکه هزینه های آن بار سنگینی شد بر پیکر نحیف بودجه آموزشی کشور. بخاطر توقف فعالیت آموزشی در نیمه دوم سال تحصیلی گذشته، افت تحصیلی به بالاترین سطح در دوره نظام آموزشی کشور رسید. آثار زیانبار رکود تحصیلی سال های اخیر و بویژه سال گذشته علیرغم کتمان مسئولان آموزشی جمهوری اسلامی از هم اکنون نمود یافته است و رقم آن به بیش از ۲۰ درصد های وزیر آموزش و پرورش می رسد.

اگر افت تحصیلی سال های ۶۳-۶۴ را به عنوان پایه و رقم متوسط رکود تحصیلی در نظام جمهوری اسلامی مینا قرار دهیم، آن گاه می توانیم به حداقل مواقع جبران ناپذیر "افت تحصیلی" سال گذشته پی ببریم. در سال ۶۴، بنابه آمار دولتی مردودی پسران در دوره ابتدایی به طور متوسط حدود ۱۴ درصد و دختران ۱۱ درصد بوده است. در این دوره بیشترین میزان مردودی مربوط به کلاس اول دبستان با متوسط رقمی بالای ۲۲ درصد بوده است. در سال ۶۴، میزان مردودی در دوره سه ساله راهنمایی در مورد پسران ۲۹/۷۵ درصد و دختران ۲۳/۰۳ درصد بوده است. در این سال از ۱۸۷۰۱۹ نفر دانش آموز چهارم متوسطه ۵۰ درصد مردود شده بودند. رکود آموزشی علاوه بر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، بازیان مادی نیز همراه است. در هر دوره که دانش آموزی مردود می شود، برای آموزش مجدد به بودجه نیاز دارد. بنابه اظهار یکی از سخنرانان "کنفرانس ریاضی" آموزش و پرورش هر ساله ۱۰۰ میلیارد ریال هزینه اضافی برای افت تحصیلی پرداخت می کند. افت تحصیلی و سطح نازل

کودکان و آموزش در بلوچستان

کودکستان وجود ندارد. به فرض آنکه کودکستانی هم در کار باشد، بخاطر وضعیت اسفبار بهداشت و درمان کودکان در بلوچستان، شدت مرگ و میر در میان آنها چنان گسترده است که بسیاری شان قبل از آنکه به مدرسه گام نهند، قلب کوچکشان از کار می ماند.

علاوه بر این کودکان بلوچ از بالای خانمانسوز اعتیاد هم در امان نیستند. هم اکنون کم نیستند خانواده هایی که تمامی اعضای آنها اسیر چنگال مرگبار اعتیادند. اعتیاد کانون های خانوادگی بسیاری را فروپاشانده و از این رهگذر بیشترین لطمه نصیب کودکان شده است.

از کنکاش در سایر عرصه های مربوط به کودکان و آموزش در بلوچستان نیز نتایج بهتری بدست نمی آید. پاسداران بیعدالتی و ستم چشم انداز تیره ای برای سازندگان فردا تدارک دیده اند. چشم اندازی که تنها با تشدید مبارزه عدالتجویانه و گسترش عنصر آگاهی تغییر خواهد کرد.

به آن راه یافتند. اما در نتیجه سیاستهای ضد خلقی و شوونیستی رژیم خمینی تاکنون بیش از نود درصد کل دانشجویان بلوچ این دانشگاه - دانشگاه زاهدان - که از سال ۵۴ بدینسو پذیرفته شده بودند، از آن اخراج شدند و در حال حاضر کمتر از ده درصد دانشجویان این دانشگاه را جوانان بومی تشکیل می دهند.

در مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان ها نیز به علت سیاستهای سرکوبگرانه رژیم علیه خلق بلوچ گسست دانش آموزان از مراکز آموزشی روبه افزایش است.

زیر سایه ارتجاع حاکم، کودکان کمتر از شش سال بلوچ هم از محدوده کودکستان های موجود در منطقه محروم شده اند و شاید بتوان گفت دیگر در سراسر این سرزمین ستم زده حتی یک

یک پدیده رایج تبدیل شده است. بسیاری از کودکان بلوچ از آغاز تولد یا اوان کودکی در حسرت آغوش پدر چشم براه بازگشت او از مهاجرت تحصیلی بوده اند و بسیاری دیگر نیز همراه پدر و مادر آواره کشورهای حوزه خلیج فارس شده اند. این کودکان رنج دیده چه در مهاجرت و چه در بلوچستان معمولاً از حضور در مراکز آموزشی محروم اند. تعداد مراکز آموزشی در بلوچستان همواره معدود بوده و به هیچ وجه پاسخگوی نیازها نیست. مراکز هم که دایرند علاوه بر داشتن کیفیت بسیار پایین آموزشی کمترین تناسبی با خواسته ها و نیازهای فرهنگی خلق بلوچ ندارند. به عنوان مثال چه در گذشته و چه در امروز ضرورت آموزش کودکان به زبان مادری به کلی انکار میشود. این ویژگی ها آندسته از نوباوگان بلوچ را که می توانند در مراکز آموزش ابتدایی حضور یابند در چنان شرایط دشواری قرار میدهند که از همان ابتدا حس گریز از مدرسه در آنها پدیدار می شود.

گشایش مراکز تعلیم و تربیت در بلوچستان از سال ۱۳۱۰ به بعد آهیم به طور محدود آغاز شد. کمبود امکانات آموزشی در بلوچستان بحدی بود که تا سال ۱۳۵۰ تعداد بلوچهایی که با تحمل دشواری های فراوان و بدور از خانواده هایشان توانسته بودند از دانشگاه های کشور فارغ التحصیل شوند از ۲۱ نفر تجاوز نمی کرد و تنها از سال ۵۰ به بعد بود که تحولی در وضعیت آموزشی این مرز و بوم ایجاد گردید و زمینه های جذب به مراکز آموزشی و راهنمایی به مراکز آموزش عالی تا حدودی گسترش یافتند. اما جمهوری اسلامی همین حد از تحولات آموزشی را هم نتوانست تحمل کند. زیرا که طی سال های انقلاب و پس از آن تعداد در خور توجهی از جوانان بلوچ از میان آنان که به دانشگاه راه یافته بودند سریعاً به مبارزات اجتماعی پیوستند و در نتیجه یا از ادامه تحصیل محروم شدند و یا روانه زندان ها گردیدند.

بلوچستان در سال ۵۴ صاحب دانشگاه شد و تعدادی از جوانان بلوچ

روز شنبه اول مهرماه، دهها هزار کودک ایرانی سال تحصیلی جدید را آغاز کردند. صدای هلهله آنها همچون پرتوی از زیبایی های زندگی به پیکر آینده نوری افشاند. سازندگان آینده پشت نیمکت های کلاس درس می نشینند و آموزش های تازه ای را تجربه میکنند.

با این همه بخش عظیمی از کودکان جامعه ما امکان راهیابی به مدرسه را ندارند. دشواری های زندگی - یک زندگی سرشار از فقر و رنج - آنها را به بیرون از مدرسه تبعید می کنند. حال آنکه بهره مندی از امکانات آموزشی طبیعی ترین حق هر کودکی است.

محرومیت کودکان از امکانات آموزشی در جهان ما، جهانی که تجهیز تک تک افراد جامعه انسانی به دانش و تکنولوژی امری گریزنپذیر تبدیل شده است، در جهانی که پیشرفت و ترقی هر کشوری با درجه رشد و آگاهی علمی افراد آن گره خورده است، راستی یک فاجعه اجتماعی است. ابعاد این فاجعه در ایران بسیار بزرگ است.

فقر امکانات آموزشی که بر بستر فقر مادی و فرهنگی پامیگیرد بویژه در میان اقلیت های ملی کشورمان نمود بارزی دارد. کردها، ترکمن ها، بلوچ ها... همه و همه به درجات گوناگون از کمبود و حتی نبود این امکانات رنج می برند. برای ارایه تصویری عینی تر به بازگویی جنبه هایی از وضعیت کودکان و آموزش در بلوچستان می پردازیم: داغ ستم ملی و طبقاتی از اولین سال های زندگی بر چهره نوباوگان بلوچ نقش می بندد. طی دهها سال سیاست شوونیستی حکومت های مرکزی، بلوچستان با تمامی امکانات سرشارش به چنان محیط عقب مانده ای تبدیل شده که بی ثباتی اجتماعی یکی از شاخص ترین خصیصه های آن است و کودکان بلوچ بیشتر از همه از این بی ثباتی آسیب دیده و رنج برده اند. در پنجه بیکاری، فقر، اعتیاد و در بدری گرفتارند. دهها سال است که در جستجوی نان مهاجرت اجباری از بلوچستان به

تصحیح و پوزش

در شماره گذشته نشریه (شماره ۲۲۵) در تنظیم و تایپ مقالات برخی اشتباهات رخ داده است که با پوزش از خوانندگان، تصحیح میشود:

در صفحه ۲ در ستون دوم مقاله "رای اعتماد مجلس..." در ابتدای پارگراف "محور ملی" "فلطو" "هواملی" درست است.

در صفحه ۶ سطر ۱۴ مقدمه، رقم درست ۱۳۰۴ است.

در صفحه ۸ سطر اول مقدمه، شنبه ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور) درست است.

در جدول صفحه ۱۱ اولین رقم در ستون "تولید ناخالص داخلی" ۷/۴ آمده است که صحیح آن ۱۷/۴ است.

در مقدمه صفحه ۱۲ در ستون دوم سطر ششم "ارگان" "فلطو" "ارگان" درست است.

کمک های مالی رسیده

بیاد ز ندانی سیاسی از یولند - دانمارک ۳۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی و فدائیان خلق از دانمارک ۱۱۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی و فدائیان خلق از دانمارک ۳۰۰ کرون
کمک به نشریه کار و نشریه اکثریت از دانمارک ۲۳۴ کرون
کمک ارسالی از شهر امپاسلا سوئد ۴۴۸ کرون
کمک ارسالی از شهر امپاسلا سوئد ۴۰۰ کرون
کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دوستداران سازمان در آتن یونان ۲۴۰۰ در اخم
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از هاور نروژ ۴۰۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از دراسن نروژ ۳۰۰ کرون

در هفته‌های اخیر، حول کانون حاد گزینش وزراء، بار دیگر مجلس شورای اسلامی به مرکز خودانشاگری رژیم بدل گردید. نطق‌های متعارف پیش و پس از دستور، به نطق‌های کوبنده علیه "وزرا" غیر "تفسیر شکل داد. نمایندگان مجلس در موافقت و مخالفت با کارکرد این و یا آن وزیر، اسناد را از بایگانی محرمانه بیرون کشیدند و به زمین زدند، نه تائیدات خمینی و نه دندانه‌های از

خشم به هم آمده رقیب، مانع از خودانشاگری رژیم نگردید. محور اصلی خودانشاگری رژیم، دزدی و اختلاس و رشوه‌خواری و فساد مالی بود که گفتی تمام دستگاه حکومتی را بلعیده است. خودانشاگری رژیم، گرچه تازگی ندارد ولی حدت این دور آن، مسئله‌ای کاملاً تازه بحساب می‌آید. از آن گذشته، اینبار همه "سند" در دست دارند. هر کس علیه مخالفین خود، سند رو می‌کند

و آن دیگری علیه اولی. اسناد افشا شده تلنبار می‌شوند. مقاصد و اهداف خود انشاگری گاه برآورده می‌شوند، وزیری، مسئولی برکنار می‌گردد و عده دیگری کرسی‌های خالی را تصاحب می‌کنند. اما کماکان نظم بازی باقی می‌ماند، یعنی دزدان کماکان به کار شرعی خود ادامه می‌دهند، اختلاس، رشوه‌خواری و فساد مالی با پیگیری دنبال می‌شوند. از آن نمونه است، اسنادی که می‌دهیم:

سرکردگان فاسد جمهوری اسلامی چگونه سرمایه‌های کشور را به قاراج داده‌اند

از وزارت سپاه آغاز می‌کنم.

این وزارتخانه برای خرید، سرباز به گوشه و کنار دنیا می‌فرستد و برگه تعیین صلاحیت اینها وقتی به حفاظت اطلاعات می‌رسد که برای ایشان پاسپورت صادر شده و بایک چمدان دلار به اروپا و یا هر جای دیگری اعزام شده‌اند. به فرض اینکه حفاظت اطلاعات از طریق منابعی زودتر مطلع شود، باز اعمال نفوذ می‌نمایند که باید قفلان کسی برود. وقتی مامورین خریدش به خارج اعزام و با کشوری وارد معامله می‌شوند، بدون آنکه حداقل اطلاعات عمومی را راجع به آن کشور داشته باشند، برای خرید تمهید کمی موشک مجبور می‌شوند که تمهید زیادی گلوله توپ به اجبار خریداری نمایند. پس از عقد قرارداد و پرداخت چند برابر وجه هرچه معموله می‌رسد فقط گلوله توپ است و خبری در نهایت از موشک نیست.

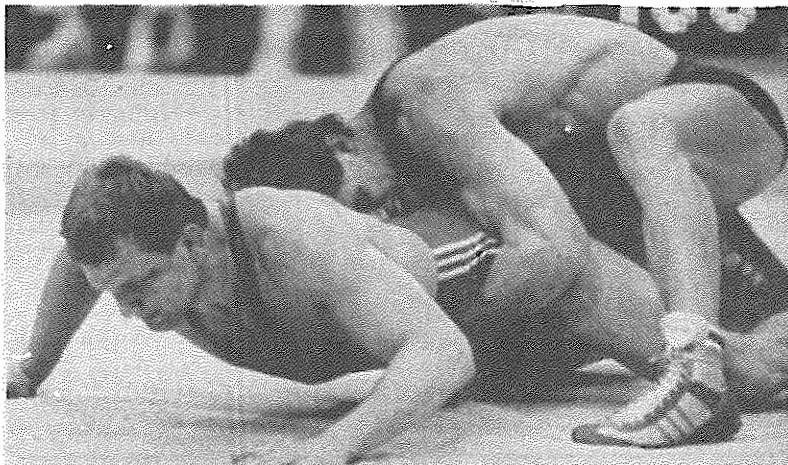
دوره کردها و دستفروشیهای اروپائی با کمک سلطنت‌طلبان و دیگر گسروهمهای ضد انقلاب در کسوجه و خیابانهای اروپا و در هتلها دربدر دنبال مامورین خرید وزارت سپاه می‌گردند. و اگر آنها را بیابند راجع به يك جنس بنجل آتقدر بازار گرمی می‌کنند تا اینکه مامورین خرید راضی می‌شوند هر کدام را چند درصد بالاتر از قیمت رقیب ارتشی بخرند تا افتخار و اعتبار خریدش و نسوع آن میزان آنها گردد. از دیگر خصوصیات این وزارتخانه است که در خرید میزان احتیاجات در نظر گرفته نمی‌شود. میزان تقاضا بستگی به میزان موجودی جنس و نوع آن میزان حق‌العمل و پورسانت و حق‌اشباع روانی خریدار دارد گاهی می‌روند تا مصرف کبریت چند سال کشور را یکجا خریداری نمایند و با مخالفت عقلا مواجه می‌شوند و گاهی قبل از آنکه عتلاي محروم و گمنام این وزارتخانه و دستگاه حسای اطلاعاتی متوجه شوند، قرارداد خرید جنسی همانند پشم‌شینه

مازاد بر احتیاج چند ساله کشور را امضا و همه را در مقابل يك عمل انجام شده قرار می‌دهند. مطلب دیگر خریدهای گران است که یا از سرنا آگاهی یا بایک برنامه از پیش طراحی شده انجام می‌گیرد. در مورد اول عدمای بی‌اطلاع و بدون فنی به دنبال خرید می‌روند و طبیعی است که هر کس می‌تواند آنها را قریب دهد. چون هیچ قیمت مقایسه‌ای وجود ندارد و علاوه بر آن رقبای وزارت ممکن است بلافاصله پس از خروج گروه اول، از درب شرکت وارد شده و باقیمت بالاتر معامله را تمام کرده و گروه اول را ناکام بگذارند. در صورت عدم موفقیت گروه دوم حتی ممکن

است گروه سوم یا چهارم نیز از همان معاونت به شرکت مراجعه و همان نیازمندی را با قیمت متفاوت باقیمت‌های قبلی مطالبه و معامله نمایند یا از فروشنده تقاضا کنند که برای يك کالا قیمتی تاچهل برابر بدهد و وقتی با تردید و وحشت فروشنده که نگران بوده معامله پس از کشف موضوع در سطح قیمت اصلی هم انجام نشود، روبرو می‌شوند از موضع وزارتخانه‌ای که نام آن مترادف بانام شهیدان است می‌گوید، نگران نباش اینها تمامشان احقند و اینجا کسی نیست تا این موضوع را بفهمد. موضوع دیگر آنقدر بزرگ است که کسی توان و جرات رسیدگی به آنها را ندارد. در يك معامله خارجی دیگر قیمت‌های اصلی با مبالغی که پرداخت شده آنقدر تفاوت دارد که مساله همین‌طور تا به امروز مسکوت مانده است و بالاخره کار به جایی می‌رسد که مدیر فروش یکی از کارخانجات خارجی سازنده وسایل برقی به خاطر از بین رفتن اعتبار کارخانه و شرکتش نامه خصوصی برای وزارت ارسال داشته و می‌نویسد تمام قیمت‌های داده شده به وزارت حتی از جانب نمایندگی ایرانی شرکت غیرواقعی و گران است و اینکه که ارسال این نامه سودی داشت. هیچکس نتوانست بفهمد که آخر دستگاه مورد نظر به چه قیمتی خریداری شده.

از دیگر کارهای خلاف متداول در امر خرید یکی دفاعی قلمداد کردن اجناس معمولی و گاهی موجود در کشور است که این کار برای فرار از استعلام قیمت و مقایسه قیمت باقیمت‌های نازلی است که توسط دیگر وزارتخانه‌ها یا شرکتها و سازمانها از شرکت‌های خارجی استعلام گردیده است (اگر برادران خواستند اسناد تمام مطالب را که تا حدود ۸۰-۹۰ سند ذکر کرده‌اند دوستان می‌توانند تماس بگیرند و بدهم خدمتشان که مطالعه کنند). شیوه دیگر تقلب و استفاده بی‌رویه از مواد قانونی است و هرچند که این وزارتخانه به قانون کاری ندارد - که به وزارتخانه‌ها اجازه ترخیص کالا می‌دهد. آنها یا مانند يك بنگاه خصوصی کالای سرمایه‌داران و خرابکاران را در قبال اخذ حق‌العمل فردی یا وزارتخانه‌ای ترخیص می‌کنند و یا یعنی از کالاها را بسیار بیشتر از نیاز خود وارد و مازاد بر احتیاج را در بازار آزاد می‌فروشند.

اگر ما مهات کم داریم پس چرا در نگهداری آنها اینقدر سهل‌انگاریم که زاغها و سیلوهی گران قیمت یکی پس از دیگری طعمه حریق و انفجار می‌گردند. و اگر مستقیدم که این انفجارها ناخواسته بهر دلیل که حادث شده باشد لطمه‌ای بوده بر منابع ارزی کشور و ضربه‌ای مستقیم بر روند جنگ پس چرامسبب این حوادث بجای تنبیه به معاونت و زیرشدن تنبیه می‌شوند. آیا کثیر سهل‌انگاری در نگهداری



صحنه‌ای از مسابقات کشتی‌فرنگی المپیک. هیچیک از چهار شرکت کننده ایرانی به مرحله نهایی مسابقات نرسیدند. ویرانگری‌های رژیم جایی برای درخشش‌های فردی هم نگذاشته است.

المپیک: زیبایی و توانایی، شادمانی و حسرت

شادمانی هموطنانش را به همراه دارد. هر چند که حکومت‌های ارتجاعی می‌کوشند این شادمانی‌ها را در راستایی ضد مردمی و ستیزه‌جویانه سمت دهند اما خود این عواطف و همبستگی‌ها بسیار شریف‌اند. در این میان همبستگی‌های آرمانی نیز برای خواست پیروزی ورزشکاران این یا آن کشور جایگاه خاص خود را دارد.

ایرانیان در سراسر جهان با احساس قم و دریغ ویژه‌ای به المپیک نگریستند. قم آنچه که می‌توان در این میدان عرضه کرد و آنچه که بر اثر ویرانگری‌های رژیم‌های حاکم بر ایران در هر صه ورزش و بویژه رژیم جمهوری اسلامی عرضه شده است.



لناشوونوا برنده مدال طلای ژیمناستیک با بالاترین نمره (۱۰) شادمان پس از یک پیروزی خیره‌کننده و شگفت‌انگیز.

در طی هفته گذشته توجه صد‌ه‌ه‌میلیون مردم جهان از دریچه دوربین‌های تلویزیونی معطوف به رقابت‌های ورزشی المپیک بود. ورزشکاران شرکت کننده در رقابت‌های فشرده توانایی‌های بدنی و روحی خود را به میدان مصاف آوردند. اشک‌های شوق، گریه‌های حسرت، مشاهده زیبایی‌ها و گوشه‌هایی از توانایی‌های خارق‌العاده بشری، دیدن شادمانی انسان‌ها، تجلی حاصل کار و مهارت و کارجمعی و برنامه‌ریزی و... و رقابت‌های کشورها و نظام‌ها به مثابه جز' بهم پیوسته این مسابقه‌ها خود بر جلب بیشتر انظار به این رویداد ورزشی موثر بود. پیروزی هر ورزشکار که نام کشور وی را طنین افکن می‌سازد و فرور و



بن جاسون، قهرمان کانادایی بارکورد شگرف ۷۹، ۹۰ برای دو صدمتر حدی برای توان انسان متصور نیست.

خون رزمندگان و خون دل فقرا معاوت و مسئولیت بالا تر گرفتن است و اگر نیست باکسانی که حادثه تهران، تبریز، قزوین، اصفهان و همه جای غرب و جنوب را موجب شده‌اند، چه کرده‌اند. پوشش و بسته‌بندی در جلوگیری از بروز حوادث مساله‌ایست که اهمیت فراوان دارد. بخشی از بهای مهمات در همه جای دنیا مربوط به بسته‌بندی این‌هاست که تابع شرایط جوی، طبیعی و نظامی منطقه در نظر گرفته می‌شود. اینها مهمات را از پوشش‌های ایمنی خارج کرده و برای سهولت در حمل و نقل و برای اینکه خودروها زیاده‌تر و بیشترجا گیرد، در گونی و کیسه حمل می‌شایند، تا اینکه به یکباره میلیون‌ها دلار مهمات با ارزش را نه فقط به دلیل نادانی بلکه به لحاظ ساده‌انگاری مسائل علمی و تبلی در دستورالعمل از بین می‌برند.

نگهداری مواد و اقسام خطرناک: اینها وقتی به هزار زحمت تعدادی... شیمیایی تهیه کرده‌اند، بدون در نظر گرفتن ممانی حفاظتی و نکات ایمنی آن را در قطعاتی نزدیک شهر تهران انبار کردند بطوری که اگر تصادفا اتفاقی برای این مواد رخ می‌داد نقطه‌مورد نظر جانی انتخاب شده بود که باد سموم شیمیایی را تماما به طرف نقاط پرجمعیت شهر تهران می‌آورد. هنگامی که پس از یک حادثه محصل مورد نظر کشف و به آنجا مراجعه شد، قبل از آن که وضعیت محل مورد بررسی حفاظتی واقع شود، معلوم شد که چند بار دچار آتش سوزی شده که نه گزارشی به سبب مسئولان رسیده و نه اهمیتی به اظهارات کارگران و نیروهای مسئول نگهداری آنجا داده شده است. همچنین معلوم نیست ظروف و محلی که برای نگهداری مواد مذکور در نظر گرفته شده چه وجه تشابهی با ظروف و محل نگهداری دیگر مواد شیمیایی خطرناک داشته‌اند که اشتباها به جای اسید کلریدریک برای یکی از توالت‌های یک ساختمان از گاز خردل استفاده کرده‌اند یعنی دستشویی را با گاز خردل شسته‌اند که یک نفر تلف و چند نفر مجروح شده‌اند.

مقاصد مالی. به عنوان عضو کمیسیون بودجه می‌گوییم. یا توجه به وضعیت خاص چنگه اینهمه ساختمان‌سازی چرا؟ آیا بیسیان ما به این پولها نیاز نداشته‌اند؟ پول و اعتبارات مالی در دست افراد میلیون تن مرگ! معلوم نیست چه کسی باید پاسخ دهد، یکش می‌توانستیم خوش‌بین باشیم و این گونه کارها را نوعی اقدامات فردی بدانیم، ولی متاسفانه موضوع بدتر از این است، معمولا کسانی که درست کارند و یا سعی می‌کنند اشکالات این وزارتخانه را پیدا کنند، فوراً از کار برکنار و اخراج می‌شوند. یک نمونه مربوط به یکی از دوزندگان متدین بازار است که پس از عقد قرارداد با سپاه پارچه و نخ و کش تحویل می‌گیرد. وقتی تمند البسه مسود قرارداد دوخته می‌شود، مقدار معتابیهی از مواد اولیه اضافه می‌آید که به وسیله او عودت داده می‌شود. مسئولین محترم که تا آن وقت با آن فرمول مواد اولیه مصرف کرده بودند، برسر دوراهی واقع می‌شوند که یا از بقیه طرفهای قرارداد و مامورین خرید راجع به میزان اضافی پارچه توضیح بخواهند و یا با حذف این دوزنده درستکار موضوع را مسکوت بکنند که ظاهراً راه دوم را انتخاب کرده‌اند. مشهور است در خارج از کشور مامورین خرید ایسن وزارت را خیلی دوست دارند، یکی از جملاتی که معمولا در وصف و تصویر چهره ایسن ایرانیان پس از انقلاب مورد استعمال قرار می‌گیرد این است که آنها (فروشنده‌گان خارجی) خیلی خوبند - یعنی خریداران ایرانی و ما آنها را خیلی دوست می‌داریم. زیرا با چمدان پر از پول می‌آیند و با دست خالی باز می‌گردند. مامورین خریدیها در داخل هم خیلی محبوبند. زیرا با قراردادهایی که با شرکت‌های صوری و بی‌هویت که عموماً به وسیله خود یا دوستان و اقوامشان به ثبت رسیده هستند، آنها رایگانه پولدار می‌کنند.

هبار تنداز:

- آلكساندر ديدوسنكو (خبرنگار روزنامه "تروود" در پراگ، در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۶۵)

- واسیلی ژورافسکی (خبرنگار "پراودا"، در سالهای ۱۹۶۹-۱۹۶۲)

- ولادلن کريووشيف (خبرنگار "ايزوستيا" در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۵)

- آندريی کروشينسکی (خبرنگار "کمسومولسکيا پراودا" در سالهای ۱۹۷۲-۱۹۶۷)

- ولاديمير لوكين و ميخائيل پولياکوف (اعضای تحريريه مجله "بررسی مارکسيستی جهان" در سالهای ۱۹۶۸-۱۹۶۵).

گفتگوهای انجام شده در میزگرد هفته نامه "مسکونیوز" حول حوادث ۱۹۶۸ چکسلواکی، در شماره ۳۵ مسال این هفته نامه شوروی چاپ شده است.

ماه گذشته، بیستمین سالگرد حوادث چکسلواکی بود. در شب ۲۱ اوت سال ۱۹۶۸، قوای نظامی پیمان ورشو وارد چکسلواکی شدند. هدف غلبه بر بحران سیاسی این کشور بود که مدام تشدید می شد.

در بیست سال گذشته بحثهای فراوانی حول این رویداد صورت گرفته است: از موضع خصمانه، از موضع انتقادی و از موضع جانبدار. در یکی دو سال اخیر، مطبوعات شوروی در پرتو پیش سیاسی نوین، از زوایای کاملاً تازه ای به این رویداد می نگرند. بحث در این مورد همچنان باز است و هر بار تعداد تازه ای از حوادث ۱۹۶۸ مورد بررسی قرار می گیرد.

ما از میان مطالب مندرج در مطبوعات اتحاد شوروی در سالگرد رویداد ۱۹۶۸، گفتگوی هفته نامه "مسکونیوز" با عده ای از شاهدان عینی آن رویداد را برای درج در نشریه، برگزیده ایم. هدایت این گفتگو را از طرف هفته نامه "مسکونیوز" ادوار خامیدوالین برعهده داشته که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷ در پراگ مقیم بوده است. شرکت کنندگان در گفتگو

اوت ۱۹۶۸

ریشه ها

مسکونیوز: البته، امروزه راحت تر می توان در مورد گذشته سخن گفت. اما لازم است به یاد داشته باشیم که حوادث تاریخی ابهامات خودشان را دارند. هر یک دارای تداقی با روحیه مثبت و منفی است. علاوه تاریخ را نمی توان تغییر داد. آنچه که پیش آمده، پیش آمده. در اوت ۱۹۶۸ در چکسلواکی وضعیت ویژه ای پدید آمد. اکنون ارزیابی شما از آن اوضاع و احوال چیست؟

*کریووشیف: اوضاع آن هنگام چکسلواکی را همدا می توان با توجه به وضعیت اقتصادی این کشور در آن زمان توضیح داد. حوادثی که ما از آن سخن می گوئیم، نتیجه مشکلات اقتصادی بودند. این مشکلات اقتصادی بعداً جنبه سیاسی یافتند.

در اوایل دهه ۶۰ عوامل جامع تکامل اقتصادی، از نفس افتاده بودند. سرعت رشد کاهش یافت و کارآمدی تولید، زایل گردید. اقتصاددانان چکسلواکی در سال ۱۹۶۵ بر روی تجهیز اقتصاد کشور به شیوه های رشد همگی تأکید کرده بودند. اما هنگامی که پیاده کردن اصلاحات آغاز شد، با مانع شیوه های مدیریت مبتنی بر فرماندهی و منافع دستگاه بوروکراتیک مواجه شد. در چنین وضعیتی اختلافات جدی ایدئولوژیک و سیاسی نیز بروز کرد که بالاخره در نقطه معینی در خیابانهای سرریز شد. آشی که پخته شده بود، در دیگی قلقل می کرد که درپوشی محکم داشت.

*لوکین: من در ژانویه ۱۹۶۵ هازم پراگ شدم. بلافاصله پس از ورود تو بهم به این موضوع جلب شد که یکی از زیباترین شهرهای جهان تاجه حد دستخوش بی توجهی است. معلوم بود که حوادثی پیش خواهد آمد. مردم می بایست برای سوار شدن بر وسایل نقلیه هتیه شده، در صفهای طولانی بایستند. مشکلات ناراحت کننده ای از این دست، مردم را ناراضی کرده بودند.

به گمان من ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی چکسلواکی این بود که در این کشور بدون بررسی نقادانه مدل رشد اقتصادی شوروی

را الگو قرار دادند. مطابق با این مدل به رشد صنایع سنگین اولویت داده شد و آن عرصه هایی از اقتصاد که مستقیماً به زندگی مردم مربوط می شوند، دست کم گرفته شد.

*کروشینسکی: بدون شک آن مدلی که در دهه ۶۰ می کشیدند اصلاحش کنند، از بسیاری جهات الهتای سیستم مدیریت ما در شوروی بود. در آن هنگام در چکسلواکی شدیداً از این مدل انتقاد شد. اما در جریان این انتقاد شروع بدان کردند که تقصیر خطاهای اقتصادی خودشان را هر چه بیشتر، به گردن شوروی بیندازند.

*لوکین: در بحث هایی که در آن هنگام در چکسلواکی جریان داشت، بر روی تنوع تولید و عرصه های اقتصادی در مجموع خود، و ضرورت گسترش دادن به بخشهای صنعتی مبتنی بر دستاوردهای علمی به جای صنایع سنتی تأکید ویژه ای می شد. طرفداران مدل پیاده شده - که تعدادشان هم زیاد نبود - این بحث ها را به یک بحث ایدئولوژیک تبدیل کردند: اگر شما مخالف این مدل هستید، معنی اش این است که با سوسیالیسم مخالفید.

مسکونیوز: بگذارید صریح تر سخن گوئیم: در ابتدا بر خورد انتقادی متوجه مدل ملی رشد بود. در مراحل بعدی بحران در چکسلواکی، نیروهای راستگرا کوشش کردند کمبودهای این مدل را به اتحاد شوروی و به طور کلی سوسیالیسم نسبت دهند.

*کریووشیف: انصاف تاریخی ایجاب می کند که به یاد داشته باشیم اقتصاد چکسلواکی نقش همدهای در باز سازی اقتصاد اکثر کشورهای سوسیالیستی در دوره بعد از جنگ ایفا کرد. به خاطر آن می آورم که چکسلواکی در دوره پیش از جنگ، جزو یکی از کشورهای دارای بیشترین تولیدات صنعتی بود. ساخت سنتی اقتصاد چکسلواکی برخوردار از صنایع سبک به حد کافی پیشرفته بود. این کشور این ساخت را و نهاد. انگیزه آن نیازهای رشد کل اردوگاه سوسیالیستی و در درجه نخست و بیش از همه، نیازهای اقتصادی ما بود. در هوض اتحاد شوروی ۷۰ تا ۸۰ درصد نیازهای چکسلواکی به مواد خام، سخت و کالاهای و ذخایر دیگر را تأمین

می کرد.

*کروشینسکی: بگذارید من عوامل دیگر را خاطر نشان سازم. مطبوعات چکسلواکی پیش از حوادث اوت ۱۹۶۸، فعالانه در مورد انحرافات از قانونیت سوسیالیستی و قربانیان بی گناه دهه های چهل و پنجاه، به بحث می پرداختند. این موضوع به محور مباحث گروه های متنوع مردم بدل شده بود. خواه ناخواه صحبت به شوروی نیز می کشید. همه همداستالیسیسم را منشأ پایمال کردن حقوق میدانستند. خواست بحق مردم این بود که انحرافات زدوده شود و جو سالمتری در جهت منافع آنان پدید آید. اما دشمنان سوسیالیسم کوشیدند از این خواسته های بحق سوء استفاده کرده و مسائلی را عنوان کنند که به دور از آن چیزی بود که مردم به طور واقعی می خواستند. این واقعیتی است که مساله اهاده حیثیت از قربانیان دهه های چهل و پنجاه برای مدتی طولانی حل نشد. نتیجه این که جبهه مخالفی شکل گرفت که هم کمونیستهای صادق حضور داشتند و هم دشمنان واقعی. در چنین وضعیتی اپوزیسیون بهانه کافی به دست آورد تا حزب کمونیست را بی اعتبار کرده و همه دستاوردهای تکامل سوسیالیستی چکسلواکی پس از فوریه ۱۹۴۸ را انقی کند.

*دیدوسنکو: بدون شک، حوادث پیش آمده: خلق الساهه نبودند. در مارس سال ۱۹۶۸، پس از این که رهبری حزب کمونیست چکسلواکی در پلنوم کمیته مرکزی حزب در ماه ژانویه تغییر کرد، نیروهای راستگرا به تدریج بر فعالیت خودافزاند. آنهایی که با رهبران ایدئولوژیک "اصلاح طلبان" موافقت نداشتند، به شکلی بی سابقه تحت فشار و پیگرد قرار گرفتند. در این رابطه "بیانیه دو هزار کلمه ای" که حمله ای به کمیته های حزبی بود، یک فاکت تاریخی است. در چنین جوی رهبری حزب از شرکت در گردهمایی کشورهای سوسیالیستی در ورشو در ژوئیه ۱۹۶۸ امتناع ورزید. این امر موجی از ناسیونالیسم را در چکسلواکی برانگیخت. بر همین منبأ بعضی از رهبران سیاسی در پراگ سخن از امکان جدایی از جامعه مشترک کشورهای سوسیالیستی را به میان آوردند.

دو جنبه قیم مآبی

مسکونیوز: شما در توضیح زمینه‌های حوادث اوت ۱۹۶۸ بر روی قیم مآبی در روابط با چکسلواکی و دیگر کشورهای سوسیالیستی انگشت نهاده‌اید که بویژه در آن هنگامه برجستگی داشت. قیم مآبی که حاصل دوره استالین بود اصل را بر این می‌گذاشت که "برادر بزرگ" همیشه حق دارد، خردمندتر و دوراندیش‌تر است و همه باید در هر موردی از وی تبعیت کنند. این امر تأثیری منفی بر روی جنبش جهانی کمونیستی و دمکراسی‌های خلقی که پس از جنگ جهانی دوم پدید آمدند، به جانهاد. به نظر شما قیم مآبی در اواسط دهه ۶۰ چگونه خود را در چکسلواکی بروز داد؟

*کریوشه‌یف: قیم مآبی دو سو دارد. یک سو سیستمی از روابط را تحمیل می‌کند و طرف دیگر یا آن را می‌پذیرد و یا رد میکند. هدف اصلاحات اقتصادی چکسلواکی در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸ این بود که شکل روابط پیشین را کنار گذارد. در این اصلاحات اصل این گرفته شد که هر مکانیسم اقتصادی کشور به گونه‌ای باشد که هر موسسه‌ای موثرترین رابطه اقتصادی را جستجو کند. در مواردی این موسسات، که اکنون خود را در شرایط اقتصادی تازه‌ای می‌دیدند، از همکاری با همتهای شوروی خود امتناع می‌ورزیدند. در مواردی از سطح تکنولوژیک فرآورده‌های شوروی را نمی‌خواستند و در مواردی در می‌یافتند که زمان تحویل رهایت نمی‌شود و یا این که در صد خرابی در کالاهایی که از شوروی وارد می‌کردند، خیلی بالاست. مدیران اقتصادی چکسلواکی که اختیار یافته بودند خود موسسات همکاری را انتخاب کنند، نگاهشان متوجه غرب می‌شد. عده‌ای در میان ما این پدیده را نشانه یک گرایش ضد شوروی میدانستند.

*ژورافسکی: در این رابطه من دو مثال به خاطر دارم. یک بار از اتحاد شوروی ۹۲ هکتار فلنک برای یک کارگاه نورد در کارخانه آهن و فولاد کوزیچ صادر شده‌ایم فلنکها

بدرنخور بودند. در یک مورد دیگر مدل تازه‌ای از اتومبیل مسکوویچ برای فروش در بازار چکسلواکی به پراگ صادر گردید. وقتی مدل تازه را آزمایش می‌کردند، پی بردند که چرخهای جلویی در اندازه اتومبیل سوامی شود.

*دیدوستکو: اما مساله مورد بحث ما صرفا نقایص فنی نبود. خود روابط اقتصادی دیگر سودی در بر نداشتند. من در یک کارخانه سازنده وسایل آزمایشگاهی در پراگ شاهد این محاسبه بودم: وقتی که این کارخانه محصولاتش را به شوروی صادر می‌کرد، هر روبل به دست آمده از یک دلار که در بازار غرب به دست می‌آمد، ۵۰ درصد بیشتر خرج بر می‌داشت.

*کریوشه‌یف: یادمان باشد که مردم چکسلواکی تاریخا به روسها نظر لطف داشتند. این امر نتیجه سلطه آلمانها بر کشور در طی چند قرن بود. چکها مثلی داشتند که می‌گفت آزادی از شرق خواهد آمد. و واقعا هم چنین شد. در سال ۱۹۴۵ چکها و اسلواکها با شور و شوق از ارتش سرخ استقبال کردند.

بعد از ۱۹۵۰ مدل اقتصادی مایه صورت مکانیکی در چکسلواکی پیاده شد. مادر آن هنگام در چکسلواکی چنین شعارهایی را می‌شنیدیم: "کارخانه‌های شوروی، الگوی ما هستند"، "استورانه‌های شوروی سرمشق مايند"، "ما مدادهايمان را طبق مدل شوروی می‌سازيم". در هر موردی چنین گفته می‌شد. من در آن هنگام در کارخانه مداسازی "کوه‌نور" می‌شنیدم که مدادهای ما را چگونه توصیف میکردند. این آن طرف رابطه قیم مآبی بود. در سطوح مختلف رهبری چکسلواکی کسانی بودند (که شاید حتی تعداد) مسائل را در حد لاطاللات گویی تحلیل می‌دادند و روابط قیم ما بانه را تقویت می‌کردند.

در آن هنگام مردم چکسلواکی ایده خامی در مورد زندگی در اتحاد شوروی داشتند. دهه ۶۰ که رسید مرزها باز شد. در دوره "ب" شدن یخها به توسط خرو و شجف "چکها و اسلواکها شروع به سفر به اتحاد شوروی کردند. آن هنگام بود که دریافتند ما نمی‌توانیم در هر موردی ایده‌آل باشیم و ما را چندان نمی‌توان الگو قرار داد. یک حالت سرخوردگی پدید آمد و بعد احساسی بروز کرد که ما بدان "ناسیونالیسم" نام نهادیم.

شباهت و اختلاف

مسکونیوز: مطبوعات غربی اغلب در مورد شباهت بین روندهایی که در سال ۱۹۶۸ در چکسلواکی جاری بود و پروتروویکی ما سخن می‌گویند. پاسخ شما به این موضوع چیست؟

*کریوشه‌یف: من اکنون در انستیتوی اقتصاد جهان سوسیالیسم که جنب آکادمی علوم اتحاد شوروی است، کار می‌کنم. در این انستیتو بین رفرمهای اقتصادی چکسلواکی در سالهای ۱۹۶۸ - ۱۹۶۵ و اصلاحات جاری در اتحاد شوروی، یک مقایسه تحلیلی به عمل آمده است. بر این مبنا می‌توان گفت که این هر دو روند در جنبه‌های بیرونی همخوانی دارند. توضیح این موضوع ساده است: هر دو بر بنیاد یک اصلند: حسابرسی تا به آخر و پذیرش نتایجی که از این امر حاصل میشود. این به معنی نظامی از روابط موثر کالایی - پولی، خودبستگی مالی، خودگردانی و نظایر اینهاست.

در اینجا مایلم نکته‌ای را خاطر نشان سازم: چکسلواکی در دهه ۶۰ تنها هدف اجرای یک رفرم اقتصادی بر نامه ریزی شده را در برابر خود قرار داد. این رفرم بلافاصله با مقاومت نیروهای محافظه کار در سطوح مختلف رهبری مواجه شد. ثابت گردید که بدون اصلاح در روبنا، بدون ایجاد تحولاتی همیق در هر صده اجتماعی - سیاسی، نمی‌توان هر صده اقتصاد را متحول کرد. ما به این تجربه توجه داشته‌ایم. در اتحاد شوروی اصلاحات اقتصادی پیوند تنگاتنگی دارد بانوسازی نظام سیاسی، گسترش دموکراسی در تولید، گلاسنوست (شفایت) و دخالت مردم در تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی اجتماعی.

*ژولیاکوف: در چکسلواکی نیز همچون در کشور ما در طی سالهای رکود، گروههای مختلفی از مردم، در برخورد با مسائل اجتماعی،

حس مسئولیت زیادی از خود نشان می‌دادند. به عنوان مثال میلوس فرمن در فیلم خود "بوسوز، هروسک کوچک من" به روشنی حالت، انحطاط اجتماعی را به تصویر درآورد.

مسکونیوز: مطبوعات چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ آزادی زیادی به دست آورده بودند، اما نمیتوانستند از این آزادی به نفع هزم سوسیالیستی خلق بهره گیرند. این آزادی در دست نیروهای راستگرا، به وسیله‌ای برای تفاق افکنی و گمراهسازی بدل شد. درهم آمیزی هدفهای پیشرفت ملی با ارزیابی‌های اشتباه از پدیده‌های مختلف و تبلیغ بی‌بنیاد و نظریاتی یکسویه در مورد سیر رویدادها، همگی مقایر آماجهای اعلام شده در پلنوم ژانویه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی بودند. این که در ژانویه حزب خود به پشتیبانی از یک سیاست نوگرای پرداخت، یک ضرورت بود. در اتحاد شوروی کسی در این مورد مساله‌ای ندارد و همه معتقدند تجربیات مثبت دوستان می‌تواند برای ما نیز بصی مفید باشد. مساله این است که تنها حسابرسی‌های سیاسی کفایت نمی‌کرد. لازم بود خطاها و انحرافات دوده شوند، برای مسائل مبرم ساختمان سوسیالیسم فکری شود و همه به دنبال موثرترین راههای پیشرفت باشند.

مطبوعات در اتحاد شوروی پس از آوریل ۱۹۸۵ حامی و مبلغ ایده‌های پروتروویکا شدند. هر چند که روند جریان یافته بدون مشکل و بدون خطا نبوده است، با این همه رسانه‌های گروهی هر چه بیشتر به مبارزهای که مبتکران خود حزب بود، گرویدند تا این سخن را به کرسی نشانند که دموکراسی بیشتر همانا سوسیالیسم بیشتر است. این دیگر در شوروی یک واقعیت است.

حقیقت در یک نسخه

مسکونیوز: اما متأسفانه در سال ۱۹۶۸ اوضاع اساسا متفاوت با امروز بود. آن هنگام فعالیت مطبوعاتی شما در پراگ چگونه بود؟

*دیدوستکو: روزنامه‌نگاران در وضعیت دشواری به سر میبردند. ما متوجه و خامت اوضاع بودیم اما نمی‌توانستیم چیزی نشر دهیم. در فوریه ۱۹۶۸ لئونید برژنف به پراگ سفر کرد. من و واسیلی ژو رافسکی به نزد وی رفتیم و پرسیدیم: "لئونیدایلیچ، ما چه باید بکنیم؟ چه باید بنویسیم؟ و او پاسخ داد: "حقیقت را بنویسید" و سپس افزود "در یک نسخه" و آن یک نسخه را هم بفرستید برای این فرد. این را که می‌گفت با انگشت رئیس دفترش را نشان داد.

*ژو رافسکی: ما تصمیم گرفتیم وضعیت را انسان که هست به برژنف گزارش کنیم. اما ما را دم در اتاقی که او در آن استراحت می‌کرد معطل نگه داشتند. یک ساعت و نیم منتظر ماندیم و اجازه نیافتیم برژنف را ملاقات کنیم. و بعد بی آنکه توانسته باشیم کاری انجام دهیم، به ناچار محل را ترک کردیم.

*دیدوستکو: ما در ساعات اولیه با مداد ۲۱ اوت، با صدای فرش مداوم هواپیماها از خواب بیدار شدیم. روز قبل من به دیدن یک مانور نظامی رفته و در آنجا صداهای هواپیماهای باقیه در صفحه ۱۳

شبی در رام الله

بقیه از صفحه ۱۶
همین هنگام از خانه ها صدای صحبت و فریاد به گوش رسید. همه می دانستند چه حادثه ای دار پیش می آید. برای لحظاتی رد جیب را گم کردیم ولی به ناگهان متوجه شدیم که خودرو مستقیماً جلوی خانه ما ایستاده است.

نفع میدیم سربازان به چه خاطر اینجا ترمز زدند. لحظاتی پیش نپایید که صدای بالا آمدن شتاب آلود سربازان از پله ها آرامش خانه را بهم زد. از طبقه زیر صدای بهم خوردن شدید در و سپس صدای شکستن یک شیشه را شنیدیم. اندکی بعد از طبقه ما نیز سرو صدا برخاست. سربازها داد می زدند. باز صدای بهم خوردن یک در و شکستن یک شیشه آمد. دو کودکی که در خانه ما بودند از ترس به لرزه افتادند. من آنها را در آغوش گرفتم تا آرامشان کنم. آنها اولین باری بود که با سربازان در خانه مواجه می شدند و از همینرو شدیداً وحشت زده بودند.

سروصداها نزدیک تر شدند. بالاخره در منزل مانیز باز شد. سه جوان او نیغورم پوش با کلاه خود و مسلسل و باتوم وارد شدند و بلافاصله از محمد خواستند که همراهشان برود. محمد با صدای آرامی از آنان پرسید که به چه خاطر؟ یکی از آنان به صورتش کوبید و دیگری به او باتومی زد و گفت: "به چه خاطر؟ معلوم است! ما حق داریم شعارا بزنیم و درب و داهان کنیم و با خود ببریم. هر وقت به ما حمله کنید، جزایتان این است." برای محافظت از محمد چاره ای به نظرمان می رسید. هر مقاومتی باعث می شد، سربازان، که خون به چشمانشان دویده بود، وحشی تر شوند. من که در هنگام یورش آنها به درون خانه از جابر خاسته بودم، مجدداً بر روی صندلی نشستم و دو کودک را در بقل خود فشردم. هم قلب آنها و هم قلب من، به شدت می زد. احساس ناتوانی می کردیم. درمانده بودیم و قدرت دفاع نداشتیم.

آنها محمد را با خود بردند. بهانه ای از او نداشتند و ما امیدوار بودیم که او بالاخره بتواند یک جور خود را از دست آنها خلاص کند.

من حالتی عصبی داشتم و هراسان بودم که مبادا سربازان دوباره بازگردند. دوستانم تصمیم گرفتند مرا به نزدیک آشنا در بخش آرامتر شهر بفرستند. تازه به آنجا رسیده بودم که محمد هم سر رسید. او توانسته بود باز رنگی از چنگ سربازان خلاصی یابد. او تعریف کرد که آن دو سربازی که به خانه ما یورش آورده بودند، در منتهای وحشی گری بودند و او به زحمت توانسته بود خونسردی خود را حفظ کند و خشم خود را در برابر آنان پبوشاند. تجربه به او آموخته بود که با خونسردی رفتار کند و در برابر سربازان بهانه ای به دست ندهد که او را به زندان بینکنند. تداوم مقاومت ایجاب می کرد که در جای خود، مقاومت نشان دهد. او در توضیح این حادثه گفت: "این گونه پیشامدها هادی شده اند. امروز به همپسان مردان و زنان و کودکان را روانه زندان می کنند. شعرها و روستاها و خانه های ما امروز شاهد چنین رویدادهایی هستند."

بالاخره نشستیم تا شامی بخوریم. شامان تمام نشده بود که دوباره سروکله سربازان در خیابان مجاور این خانه هم پیدا شد. خانه گردی را آغاز کردند و به خانه ما هم وارد شدند. همه غرق در

سلاح بودند ما سرجایمان نشسته بودیم. آنها نظری به اطراف چرخاندند و بعد یکسر به سراغ محمد رفتند. بر گه شناسایی اش را کنترل کردند و بی هیچ توضیحی مجدداً او را بیرون بردند. این بار ما عکس العمل نشان دادیم. پشت سر آنها از در خارج شدیم و شروع به اعتراض کردیم. یکی از ما که یک پزشک یهودی آمریکایی بود خطاب به سربازان گفت: "من این فرد را برای صرف شام به اینجا دعوت کرده ام. روی چه حساب این فرد را بدون هیچ توضیحی از سرفره بیرون می کشید و با خود می برید؟ او که کاری نکرده."

اعتراض ما موثر واقع شد. من دست محمد را گرفتم و او را به داخل خانه بردم. از قرار معلوم این گروه از سربازان اندکی آدمتر بودند.

دوباره سرمیز که نشستیم محمد در توضیح روحیه سربازان اسرائیل چنین گفت: "بعضی از سربازها، به راستی جانی هستند. به آنها طوری آموزش می دهند که هتکشان را از دست بدهند و چون و چرا سرشان نشود. خیلی از آنها از ما هرپا نفرت دارند و خواهان اخراج همه فلسطینی ها از کشورند. اما ما می دانیم که اسرائیلی های دیگری هم وجود دارند. این دسته از اسرائیلی ها اشغالگری را منافی اخلاق خلقی می دانند که آنگونه مورد ستم و جنایتکاریهای آدمکشان نازی بوده است."

خیلی از افراد اسرائیلی

کمابیش متوجه قلبه وحشی گری و جنایتکاری بر جامعه خود شده اند. من در سفرم به اسرائیل با یک افسر دوره احتیاط صحبت کردم که تازه خدمت نظامش در نوار فزه به پایان رسیده بود. او از میزان خشونت که علیه خلق فلسطین اعمال می شود، تکان خورده بود. به عقیده او افکار عمومی فقط از ۱۵ تا ۱۵ درصد اعمال جنایتکارانه علیه فلسطینی ها مطلع می شود. تنها افراد معدودی در اسرائیل خبر دارند که در مناطق اشغالی، حقوق بشر تاچه حد لگدکوب می شود.

بر خلاف کنوانسیون چهارم ژنو که اسرائیل نیز زیر آن را امضا کرده است و در آن تاکید می شود که باید افراد غیر نظامی در مناطق جنگی و دستخوش آشوب از تعرض مصون باشند، از دسامبر سال ۱۹۸۷ تاکنون:

* ۳۵۴ فرد غیر نظامی در مناطق اشغالی کشته شده اند

* ۱۲۵۰۰۰ انسان بی دفاع زخمی گردیده اند

* ۵۰۰۰ نفر از این عده برای تمام همدچار نقص عضو شده اند

* ۳۵۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ نفر دستگیر شده اند

* ۲۲۰۰۰ نفر از این عده هم اکنون ۲۲۰۰۰ نفر در زندان بسر می برند. (این ارقام مآخذ از گزارشی است که سازمان آزادی بخش فلسطین در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۸۸ به مرکز سازمان ملل متحد در ژنو ارائه داده است.)

از زمان اشغال نوار فزه و کرانه غربی در سال ۱۹۶۷ تاکنون:

* ۲۰۰۰ خانه توسط نظامیان اسرائیلی ویران شده

* بیش از ۲۰۰۰ نفر از کشور اخراج شده اند

* بیش از ۶۵۰۰۰ مهاجر اسرائیلی در مناطق اشغالی، اسکان داده شده اند

* بالاخره دولت اسرائیل ۵۰ درصد اراضی در مناطق نوار فزه و کرانه غربی را "فروخته" و یا خود بر روی آنها جنگ افکنده است. اکنون قطب بندی سیاسی در اسرائیل روبه تشدید است. احزابی که از سیاست مشت آهنین تبعیت می کنند (همچون حزب فاشیستی "کاخ" به رهبری خاخام کاهانه) صفوفشان در حال تقویت است و احزاب تازه ای نیز در کنار آنها شکل می گیرند که خواهان اخراج کامل تمام اهالی عربند. از سوی دیگر جنبش صلح مدام نیرومندتر



فراخوان حزب کمونیست فلسطین

حزب کمونیست فلسطین در بیانیهای که اخیراً منتشر کرده است همه احزاب کمونیست و کارگری، سازمانها و احزاب دمکراتیک و مدافعین حقوق بشر را به کوشش برای جلوگیری از جنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل دعوت کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

”روزهای اخیر با اوجگیری جنون آمیز عملکرد سرکوبگرانه زمامداران اسرائیل علیه فلسطینیهای بی دفاع مناطق اشغالی همراه بوده است. ابتدایی ترین حقوق بشر که توسط عهدنامه های بین المللی تضمین شده اند، لگدمال میگردند.“

بیانیه سپس می افزاید: ”زمامداران اسرائیل دشمنی کور خود علیه مردم مارا با سوزاندن کارگران بی گناه مناطق اشغالی که در حال خواب بودند و کشتار عمدی زندانیان اعتصابی بازداشتگاه مشهور انصار نغان داده اند. علاوه بر این آنها بار دیگر در مقیاس وسیعی دست به اخراج (فلسطینی های مناطق اشغالی) زده اند. طی چند روز گذشته آنها تصمیم به اخراج ۲۵۰۰ میهن پرست دیگر فلسطینی گرفتند. زمامداران اسرائیل همچنین اعلام کرده اند که به سیاست اخراج فلسطینی ها از مناطق اشغالی ادامه خواهند داد.“

حزب کمونیست فلسطین در پایان این بیانیه همگان را به مبارزه در راه آماج های زیر فراخوانده است.
پایان دادن به جنایات اسرائیل در مناطق اشغالی
- پایان دادن به اخراج، زندانی کردن، شکنجه و کشتار فلسطینیها
دفاع از حقوق انسانی مردم فلسطین.

نیز در فعالیتند که طرفدار تشکیل دو دولت جداگانه برای دو خلقند، همچون گروه ”گشرفالوم“ (پلهای صلح).

بعضی ها این گونه تبلیغ می کنند که انتقاد از اسرائیل جلوه تازه ای از یهودی ستیزی است. اما وقتی که انسان در تلویزیون می بیند که چگونه سربازهای اسرائیلی استخوانهای کودکان فلسطینی را درهم می شکنند، وقتی که انسان در روزنامه ها می خواند که چگونه با بولدوزر انسانها را زنده بگور می کنند، به خود حق می دهد که دوستان اسرائیل را در برابر این سؤال قرار دهد که این چه منشی است؟ یهودی ستیزی، که در کشورهای متعددی ادامه موجودیت داده است باید افشا شود و مثل هر ایدئولوژی نفرتبار نژادپرستانه دیگری ریشه کن گردد. اما یهودی ستیزی نمی تواند توجیه گر سیاستهای کنونی دولت اسرائیل باشد.

می شود. مدام افراد بیشتری خواهان پایان دادن به اشغالگری و مذاکره با سازمان آزادی بخش فلسطین می شوند. در ماههای اخیر دهها گروه صلح خواه شکل گرفته اند و آرای سازمانهایی را که سالهاست صلح و آشتی را مطالبه می کنند، تقویت کرده اند.

در اسرائیل زنانی هم هستند که هر هفته در سه شهر کشور با لباس سیاه تظاهرات می کنند تا به اشغالگری پایان داده شود، گروهی نیز مثل ”پیش گول“ (”جادی هم وجود دارد“) در فعالیت است و با جنبشی همچون جنبش سربازان ذخیره که ترجیح می دهند به زندان بروند ولی در مناطقی خارج از مرزهای ۱۹۴۷ خدمت نظام انجام ندهند، گروه ”ازوالوم“ (”شجاعت و صلح“) طرفدار پایان دادن فوری به اشغالگری است. این گروه با سازمانهای مذهبی مخالف است. سازمانهای مشترک یهودی-عربی

اوت ۱۹۶۸

بته از صفحه ۱۱

شنیده بودم که فرود می آیند تا مقرهای فرماندهی نیروی هوایی را تصرف کنند. در بامداد ۲۱ اوت ابتدا چشمم به زنان و مردانی خورد که با لباس منزل سراسیمه از خانه هایشان خارج می شدند. کسی نمی دانست چه اتفاقی در پیش است. چند روز قبل همه در براتسیلاو دیده بودند که چگونه برژنف، دوجک را در آغوش گرفت و بوسید. همه دیگر فکر می کردند که مسائل فیصله یافته اند.

کروشینسکی: بعد از ورود قوای نظامی، مطبوعات ما انباشته از فلوهای عمدی و غیرعمدی شدند. اوضاع بسیار پیچیده و از بسیاری جهات ناروشن بود. خبرنگاران ویژه که از بالا رهنمود می گرفتند، موقعیت بسیار دشواری داشتند. خبرها بعضاً آنسان گزارش میشد که بار رهنمودهای بالا، مطابقت داشته باشند.

ژورافسکی: شناخت من از کشور چکسلواکی باعث میشد بتوانم از خطاها و کژیهای هابی که مطبوعات ما مملو از آنها بودند، اجتناب ورزم. در آن هنگام دو همکار داشتم که خبرنگار ویژه بودند. یکی از آنها اکنون فوت کرده و من ترجیح می دهم که اسمشان را نیاورم. یکی از این همکاران در پراگ و دیگری در براتسیلاو مستقر بود. مجلات فکاهی چکی و اسلواکی ”دیکوبراز“ و ”رهاج“ گزارشهای آنها را که در روزنامه های مسکو چاپ شده بود، عیناً ترجمه کردند، بدون هیچ گونه تغییر و بی هیچ گونه تفسیر و توضیح. چاپ این مقالات همان و برانگیخته شدن احساسات ضد شوروی در میان چکها و اسلواکها همان.

دیدیوسکو: بگذارید داستانی واقعی برایتان تعریف کنم که به یک ”جوک“ می ماند:

یک روز ما را به سفارتخانه فراخواندند و نسخه ای از یک روزنامه چاپ یکی از کشورهای متحد را نشانمان دادند که در آن خبر داده شده بود تانکهای آمریکایی به دم پراگ رسیده اند. ما باز خواست شد که چرا در کسب این خبر غفلت کرده ایم. بعداً مشخص شد که قضیه به فیلمی در دست تهیه در مورد آخرین روزهای جنگ جهانی دوم برمیگشته است و تهیه کنندگان فیلم چند تانک آمریکایی، آلمانی و روسی از یک شرکت اتریشی اجاره کرده بودند.

کروشینسکی: و چند کلمه در مورد آنچه که بعد اتفاق افتاد. سال ۱۹۶۹ حتی از سال پیش از آن بحرانی تر بود. در تابستان، طغیانهای چندی به وقوع پیوست که در جریان آنها بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. این واقعیتی است که نیروهای نظامی ما در این حوادث، شرکت نداشتند. اما در آن هنگام احساسات مخالف ما شیوع وسیعی داشت. تولید ۴۰ درصد افت کرده بود و تنها هده کمی تن به کار میدادند. در اینجا مناسب است که از رهبری تازه کشور که در رأس آن گوستاو هوساک بود، به نیکی یادکنیم. واقعا بیرون آوردن جامعه از آن بحران، کار شاقی بود.

در سها

مسکونیوز: شما امروزه از حوادث ۱۹۶۸ در چکسلواکی چه در سهایی را استنتاج می کنید؟

ژبولیکاف: در جریان این حوادث مساله نقش حزب در جامعه، به مساله ای بس عمده بدل شد. می بایست برای مشکلات جامعه چاره جویی شود: حزب می بایست در عمل نشان دهد که نیروی هدایتگر جامعه است. در ضمن می بایست این گمان خطرناک کاملاً کنار گذاشته میشد که مسائل یک ملت دیگر را میتوان با نیروی نظامی حل کرد. تاریخ کرده های خطر انهی بخشد.

کلوکین: پس از سال ۱۹۶۸ مطبوعات غربی بهانه کافی داشتند تا از کلیشه ای به نام ”دکترین برژنف“ (مبنی بر حق حاکمیت محدود کشورهای سوسیالیستی) سخن پراکنی کنند. البته هیچگاه آگاهانه چنین ”دکترینی“ فرموله نشده بود. و امروزه نیز دیگر در روابط کشورهای سوسیالیستی چنان وضعیتی پدید نخواهد آمد که یکی حق داشته باشد برای دیگری تصمیم بگیرد. این قابل قبول نیست. پایبندی به این اصل، مطمئن ترین ضامن غیر قابل تکرار بودن حادثه ای نظیر حادثه ۱۹۶۸ است. کسانی که در آن حادثه دخیل بودند، به طور جدی از آن درس گرفته اند.

کریوشه شیف: یکی از مهمترین درسها، همان چیزی است که در برنامه عمل که از سوی تفکر نوین سیاسی فرموله شده، گنجانده شده است. در اینجا تاکید شده که هر کس مختار است، خود راه خویش را برگزیند.

دیدیوسکو: یک سیاست منحرف شده از اصول، شاید بتواند در کوتاه مدت چاره ساز باشد، اما در بلندمدت به ضرر همه و از جمله کسانی است که اصول را زیر پا می نهند. این قاعده در مورد مطبوعات نیز، صادق است.

ژورافسکی: گلاسنوست (هلیت) یک ضرورت است. مردم باید از هر چیزی باخبر باشند. مردم چکسلواکی در سال ۱۹۶۸ در مورد رهبران خود بر مبنای حد و صحت گزارشدهی این رهبران قضاوت کردند. امروزه مطبوعات باید قادر باشند مردم و رهبران را برای این که وقایع را صحیح تحلیل کرده و بتوانند درست تصمیم بگیرند، در جریان همه چیز بگذارند.

کروشینسکی: سیر حوادث نشان داد که چکها و اسلواکها به راهی که پیش گرفته بودند، وفادار ماندند. این راه همانا راه پیشرفت سوسیالیستی است.

در برمه، زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد

بقیه از صفحه اول

در کشور اهتصاب عمومی برپاست. حکومت نظامی تا ۴ اکتبر مهلت تعیین کرده تا کارمندان به سر کار بازگردند. همه ناظرین بر این اعتقادند که این توپ و تشرها چاره ساز نخواهد بود. در برمه زمین زیر پای دیکتاتورهای لرزد.

ژنرال ساو مایونگ بعد از کسب قدرت، اعلام کرد که پس از "استقرار نظم و آرامش" به اجزایی که طرفدار "دموکراسی واقعی" باشند آزادی خواهد داد و برای تشکیل یک حکومت غیر نظامی "انتخابات آزاد" برگزار خواهد کرد. حتی آن دسته از رهبران لیبرال اپوزیسیون که صحبت از مذاکره با حکومت نظامی را پیش کشیده اند، اعلام کردند این وعده ها را پوچ می دانند و اگر انتخاباتی هم برگزار شود، در آن شرکت نخواهند کرد.

با کودتای ژنرال ساو مایونگ این سومین باری است که در ظرف سه ماه گذشته، راس دستگاه حکومتی تغییر می کند بی آنکه خود این دستگاه تغییری کرده باشد. ژنرال ساو مایونگ زمانی دست به کودتا زد که گروه بندی حاکم پی برد، مانورهای فریبکارانه حاکم پیشین، مایونگ مایونگ، چاره ساز نیست و برای سرکوب مردم، تکیه کردن به سرنیزه هم کفایت نمی کند.

برمه ۲۶ سال تمام زیر سلطه دیکتاتوری ژنرال نهوین بوده است و چهره های فعلی در راس قدرت، همه دست پروردگان وی هستند. نهوین در سال ۱۹۶۲ همراه عده ای دیگر از افسران ارتش، بایک کودتای خونین قدرت را در برمه به دست گرفت. او برای تحکیم پایه های قدرت خود حزب فراگیری را ایجاد کرد که بر آن "حزب برنامه سوسیالیستی" نام نهاده تا سال ۱۹۷۴ قدرت مستقیماً در دست "شورای انقلاب" به رهبری ژنرال نوین بود و همه پستهای حکومتی در دست ارتشیان قرار داشت. پس از این سال، بر مبنای قانون اساسی تازه، یک مجلس نمایندگی و یک شورای دولتی در کشور تشکیل شد که همچنان در هر دو نظامیان و طرفداران نهوین قلمبه مطلق داشتند. ژنرال "نهوین" نام برمه را به "جمهوری سوسیالیستی

اتحادیه برمه" تغییر داده بود. در برنامه حزب حاکم که ژنرال پیشوای آن بود، از "سوسیالیسم خاص برمه" سخن می رفت. مبنای "سوسیالیسم خاص برمه" تحکیم سرمایه داری دولتی و یک سیاست خارجی انزوا جویانه بود. "سوسیالیسم خاص برمه"، سرمایه داری خصوصی و فئودالیسم را تا حد چشمگیری کنار زد و یک قشر بوروکرات خودکامه را حاکم بر جامعه گرداند. ژنرال نهوین و پیروان وی مدام از مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری می گفتند. نهوین آنچنان مدعی سوسیالیسم بود که حتی مانیفست

فقیر جهان است. درآمد کشور در طی حکومت نهوین مجدداً صرف تقویت دستگاه ارتش و پلیس برای سرکوب ملیتها و گسترش خفقان در جامعه شده است. در برمه ۴۱ درصد بودجه کشور، به ارتش اختصاص دارد.

در برمه، مخارج کمر شکن بوروکراسی و ارتش، مدام سفره تهی زحمتکشان را تهی تر کرده است. در سپتامبر سال گذشته رژیم نهوین، چند نوع اسکناس را بدون حق تعویض از اعتبار انداخت و تمهیدات دیگری ظاهراً برای مبارزه با بازار سیاه برنج، به مرحله اجرا گذاشت که دیگر طاقت مردم را طاق کرد.



اعضایان از تظاهرات مردم در انشور

را به زبان برمه ای ترجمه کرده بود: "سوسیالیسم ناسیونالیستی" نهوین، یک نظم تمامیت گرایانه "ناسیونال سوسیالیستی" را بر کشور حاکم کرد. اقلیت های ملی (که حدود ۴۵ درصد جمعیت برمه را تشکیل می دهند) به شدت تحت ستم بودند. از آزادی شکل، عقیده و اجتماعات مطلقاً اثری نبود. دیکتاتوری، سرمنشاء فساد شد. بوروکراسی حاکم مدام گندیده تر شد و جامعه که وعده داده می شد به سمت "سوسیالیسم" در حرکت است، مدام رو به عقب می رفت.

برمه که زمانی "انبار برنج" آسیا نام داشت و جزو ثروتمندترین کشورهای منطقه بود، در تحت سلطه حزب ژنرال نهوین پیاپی فقیرتر شد. این کشور اکنون جزو ده کشور بسیار

زحمتکشان از خریدن قوت لایموت هم عاجز شدند. گرسنگی آنها را به خیابان کشاند. آنها به شعار دادن علیه حکام فاسدی پرداختند که خود غرق ناز و نعمت بودند و "مسواست طلبی" آنها صرفاً گسترش فقر در سطح زحمتکشان به تساوی بود. جنبش مدام گسترش بیشتری یافت. در تظاهرات تانیم میلیون نفر شرکت میکردند. در بسیاری نقاط سربازان نیز به مردم می پیوستند. نهوین خود را مجبور به کناره گیری دید. او حکومت را به ژنرال ساین لوین سپرد که در نزد مردم به "قصاب" شهرت داشت. حکومت "قصاب" ۱۷ روز بیشتر دوام نیاورد. جای قصاب را یک فرد غیر نظامی به نام "دکتر مایونگ مایونگ" گرفت که در دولت نهوین، دادستان بود. "مایونگ مایونگ" کوشید دست به اصلاحاتی بزند تا دستگاه حاکمه

را نجات بخشد. گفته شد که احزاب آزادند! "حزب برنامه سوسیالیستی" دیگر حزب فراگیر نخواهد بود و در کشور انتخابات آزاد برگزار خواهد شد. مردم این وعده های پوچ را باور نکردند. مبارزه ادامه یافت. حکام برمه وقتی که دیدند مانورهای مایونگ مایونگ چاره ساز نیست، دوباره در هفته گذشته یک حکومت تماماً نظامی را سرکار آوردند.

طبقه کارگر در برمه طبقه کم شماری است. کارگران کمیته های اهتصاب تشکیل داده و یکی از ستونهای اصلی جنبش محسوب میشوند.

در تظاهرات توده ای دانشجویان نقش فعالی دارند. مردم اکنون در بسیاری از نقاط شورا برپا کرده و با کمیته های اهتصاب تظاهرات را پیش می برند. راهبان بودایی نیز مجدداً در صف اپوزیسیونند. آنها مردم را دعوت به استفاده از "شیوه های مسالمت آمیز" میکنند که مردم در عمل پی برده اند با منطق واقعیت همخوان نیست.

ارتش خود دستخوش شکاف است. در راس ارتش رقبا سر بر آورده اند و رقابت حتی کسانی مثل وزیر دفاع اسبق ژنرال تین یو را که می گوید یک سوم ارتش را پشت سر دارد، در صف مخالفین قرار داده است. شکاف اصلی بین توده سربازان و سران ارتش است. افسران جزا و جوان نیز گرایش دارند به اپوزیسیون بپیوندند.

جنبش در برمه خود بخودی است. چهره هایی که در روزنامه ها از آنها به عنوان رهبران اپوزیسیون نام برده میشود، همانقدر در جنبش نفوذ و حضور دارند که جبهه ملی با چهره هایی مثل سنجابی در انقلاب ایران. تشکل همدتا در میان خلقهای تحت ستم است. در مناطق مرزی سالهاست که گروه های مسلح برای کسب حق خود مختاری خلقها می جنگند. جنبش از پتانسیل بسیار بالایی برخوردار است، اما به دلیل روشن نبودن خطر رهبری کننده در آن، چشم انداز مشخصی ندارد و هنوز معلوم نیست به کدام سمت، سوق داده خواهد شد. هزم خلق برای دستیابی به دموکراسی جزم است، اما این برای آینده دار بودن یک جنبش که در آن آگاهی انقلابی و تشکل ریشه نگرفته است، کافی نیست.

بازتاب پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی در مورد تشنج زدایی در شرق آسیا

اعلام حالت فوق العاده در قره باغ

درگیری‌های تازه بین آذری‌ها و ارمنی‌ها در شهر استپاناکرت مرکز منطقه خود مختار قره باغ، منجر به اعلام حالت فوق العاده در این شهر و شهر رایون اقدام شد. هدف از اعلام حالت فوق العاده، جلوگیری از بروز درگیری‌های تازه است. در شب چهارشنبه هفته گذشته، علی‌رغم اعلام حالت فوق العاده، درگیری‌ها ادامه داشت. تا چند روز استپاناکرت متشنج بود و عده‌ای از مردم از شهر خارج شده و به حومه پناه برده بودند. دولت شوروی اعلام کرده است برای برقراری نظم و استقرار قانونیت سوسیالیستی، در مواجهه با آشوبگری‌ها تمهیدات ضروری را اتخاذ خواهد کرد.

دانست. دولت فیلیپین از برخورد مشخص با پیشنهاد اتحاد شوروی مبنی بر برپید شدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور و همزمان برپید شدن پایگاه نظامی شوروی در ویتنام، خودداری ورزید و اکتینو اعلام کرد این مساله بستگی به توافق شوروی و آمریکا دارد.

دولت چین با پیشنهادهای تازه خاصه در زمینه دیدار رهبران چین و شوروی، برخورد مثبتی داشت. لی پنگ نخست وزیر چین، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که مذاکرات جاری حول مساله کامپوچیا، جزیی از یک روند است که منجر به آن دیدار سران دو کشور خواهد بود.

پیشنهادهای تازه اتحاد شوروی برای تشنج زدایی در شرق آسیا بازتاب وسیعی یافته است. پیشنهادهای تازه را میخائیل گرباچف، در طی یک سخنرانی در شهر کراسنو یارسک واقع در سیبری شرقی اعلام کرد. آمریکا خود را در آغاز بی تفاوت نشان داد و سخنگوی دولت ریگان، پیشنهادهای هفته ماده‌ای اتحاد شوروی را فاقد تازگی دانست. بعداً گفته شد که این پیشنهادهای برای رسیدن به تفاهم بیشتر، دقیقاً بررسی خواهد شد. وزارت خارجه ژاپن ضمن تاکید بر ضرورت حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا، بخشی از پیشنهادهای اتحاد شوروی را "مبنایی برای تقویت مناسبات دوجانبه ژاپن و شوروی"

از میان دیگر رویدادها

● در روز شنبه ۲۴ سپتامبر هور کنسیا گوسی دو آلتده بیوه سالوادور آلتده پس از ۱۵ سال تبعید به شیلی بازگشت. او مورد استقبال وسیع اهالی سانتیاگو و نمایندگان سازمانهای اپوزیسیون قرار گرفت.

در هفته گذشته همچنین ولودیا تایتلویم، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شیلی که از چهره‌های سرشناس سیاسی کشور است، به شیلی بازگشت.

● در هفته گذشته، نیروهای ترقی خواه در آلمان فدرال و برلین غربی، حرکت‌های اعتراضی و افشاگر مختلفی علیه "بانک جهانی" که در برلین غربی، اجلاس داشت، برگزار کردند. بانک جهانی که رهبری آن در دست هفت کشور همدم امپریالیستی است، جهان سوم را زیر فشار و ترضای سنگین و بهره‌های کلان قرار داده است. در اجلاس برلین غربی، وزرای مالیه کشورهای جهان سوم که در اجلاس حضور داشتند، خواهان کاهش بهره‌ها و تمدید مهلت بازپرداخت وامهای خود شدند. این تقاضا با مخالفت کشورهای امپریالیستی مواجه شد.

● در انتخابات پارلمانی در سوئد راستگرایان با شکست مواجه شدند. احزاب راست و "میانه" که خود را اترناتیو حکومت سوسیال دمکرات کارلس سن اعلام کرده بودند در مجموع ۱۵۲ کرسی در مجلس نمایندگی سوئد به دست آوردند که ۱۸ کرسی کمتر از کرسی‌های آنها در دور قبلی انتخابات است. در انتخابات هفته گذشته "حزب کارگری سوسیال دمکرات سوئد" ۱۵۹ کرسی و حزب چپ کمونیستهای سوئد ۱ کرسی به دست آورد. کمونیستها در مجلس در برابر محافظه کاران، از سوسیال دموکراتها پشتیبانی می‌کنند. نکته تازه در انتخابات سوئد پیروزی سبزها بودند. آنها با کسب ۲ کرسی برای نخستین بار وارد پارلمان سوئد می‌شوند.

● در هفته گذشته اسرائیل برای نخستین بار راساً یک ماهواره اکتشافی به فضا پرتاب کرد. متخصصین اسرائیلی برای ساختن این ماهواره، از کمک فنی آمریکا برخوردار بوده‌اند. ماهواره اسرائیلی نقل و انتقال‌های نظامی در منطقه را کنترل خواهد کرد.



آنطرف دهکده المپیک در سئول: هر روز دانشجویان کره‌ای دست به تظاهرات می‌زنند و واقعات کره جنوبی را که رژیم حاکم می‌کوشد آن را در پشت زرق و برق‌های المپیک، پنهان کند، انشای می‌سازند. عکس بالا دانشجویان کره‌ای را در تظاهراتی که هفته گذشته بر پا کردند، نشان می‌دهد. آنها پرچم‌های ژاپن و آمریکا را به آتش کشیده‌اند.

کودتاهائی‌تی

با کودتای گروهی از نظامیان در هائیتی، ژنرال نامنی حاکم پیشین از کشور گریخت و به جمهوری دومینیکن پناهنده شد. برکناری نامنی موجی از خوشحالی در میان اهالی برانگیخت. حاکم تازه ژنرال آوریل نام دارد که قبلاً رابطه تنگاتنگی با دیکتاتور فراری دوو الیه داشته است. آوریل پس از قدرت گیری کابینه‌ای تشکیل داد که به جز یک نفر، بقیه غیر نظامی‌اند. او همچنین هفت ژنرال را از کار برکنار کرد. گفته می‌شود که سربازان و افسران جز، از بقیه امرای ارتش، خلع قدرت کرده‌اند.

هنوز مشخص نیست که ژنرال آوریل، تا چه حد خط حکومت ترور و فساد و اختناق دوو الیه و نامنی را پی خواهد گرفت. او اعلام کرده است که خود در محاصره رده‌های پائین ارتش قرار دارد.

در هفته‌های گذشته ترور و سرکوب در هائیتی به اوج خود رسیده بود. از جمله مزدوران دوو الیه به یک کلیسا حمله کرده، ۱۲ نفر را کشته و ۷۷ نفر را زخمی کرده بودند.

استعفای

دولت "مسر" در لهستان

در روز دوشنبه هفته گذشته (۱۹ سپتامبر) نخست وزیر لهستان "مسر"، در نشست پارلمان این کشور (سیم)، از سمت خود استعفا داد. قبل از رئیس شورای سندیکاهای لهستان اعلام کرده بود که نمایندگان سندیکاها در "سیم" به کابینه مسر، رای عدم اعتماد خواهند داد. مسر در طی نطقی علت استعفای خود را این موضوع عنوان کرد که کابینه وی از اعتماد کافی در میان مردم برخوردار نیست. سندیکاهای لهستان تمهیدات اقتصادی دولت مسر را انگیزه اصلی اعتصابات کارگری اخیر در کشور می‌دانند. این تمهیدات منجر به بالا رفتن قیمت برخی اقلام مصرفی و کاهش دستمزدها شده بود.

اوربان، سخنگوی دولت لهستان که تا تشکیل کابینه بعدی، سمت خود را حفظ خواهد کرد در روز ۲۱ سپتامبر اعلام کرد که کابینه آینده بازتاب دهنده یک ائتلاف گسترده تر خواهد بود و در آن "شخصیت‌های مستقل" نیز حضور خواهند داشت.

شبی در رام الله

در شامگاه روز ۱۴ سپتامبر، یک نوجوان یازده ساله فلسطینی در نوار فزه به دست صهیونیستها کشته شد. یک افسر اسرائیلی به سوی هدهای از جوانان و نوجوانان فلسطینی که در حال تظاهرات بودند، آتش گشود و موجب قتل این نوجوان گردید. در روز بعد نظیر این حادثه در نابلس واقع در کرانه غربی پیش آمد. نظامیان اسرائیلی به سمت گروهی تظاهر کننده شلیک کرده و دو جوان ۱۸ و ۱۶ ساله را به شدت زخمی کردند.

روزیکشنبه ۱۷ سپتامبر، ششمن سالگرد قتل عام اردوگاههای صبرا و شتیله به دست سربازان اسرائیلی بود. به همین مناسبت در مناطق اشغالی اعتصاب عمومی برپا شد. مردم دست به تظاهرات زدند. صهیونیستها در جریان سرکوب تظاهرات در کرانه غربی، ۲ جوان فلسطینی را کشته، ۴۰ نفر را زخمی و ۲۰۰ نفر را دستگیر کردند.

هر روز و هر هفته از مناطق اشغالی چنین خبرهایی به گوش می رسد. مبارزه خلق فلسطین در مناطق اشغالی پرتوان ادامه دارد. مسلسل بدستها در برابر فلاخن بدستها عاجز شده اند. آنها اوج درنده خوئی خود را به نمایش نهاده اند، اما هر روز که می گذرد خود را در برابر مقاومت خلق بپاخاسته فلسطین در مانده تر می بینند. گزارش زیر جلوه هایی از سیاستهای دولت صهیونیستی در مناطق اشغالی را بازتاب می دهد. گزارش به قلم ژانت پرودین، یک زن یهودی آمریکایی است که اخیراً از مناطق اشغالی دیدار کرده است. ژانت پرودین از فعالین "اتحادیه بین المللی زنان برای صلح و آزادی" است که مقرر آن در ژنو است.

* * *

همبستگی با اعتصاب کنندگان در خانه هایشان ماندند. همه جا مثل امشب فرق در سکوت بود. راستی، امشب چنان ساکت است که گویی نظامیان اسرائیلی به مرخصی رفته اند... این کلمات بر زبان محمد جاری بود که ناگهان صدای یک جیب اسرائیلی را از خیابان آن طرفی شنیدیم. از قرار معلوم کودکی به سمت خودرو سنگی پرتاب کرده بود. جیب سرعت خود را کم کرده و با حالت تهدید آمیزی حرکت خود در خیابان سربالا را ادامه داد. در بقیه در صفحه ۱۲

شامگاه گرمی بود. با دوستانم در طبقه سوم خانه ای در رام الله نشسته بودیم و خانه بادگیر بود و در آن گرمای مضای مطبوعه ای داشت. طبق معمول صحبت حول کرانه غربی و نوار فزه، مناطق تحت اشغال اسرائیل، و خیزش خلق می چرخید.

محمد، یک هرب ۳۲ ساله، داشت برای من از یک اعتصاب عمومی دو روزه ای تعریف می کرد که پیش در آمد قیامی بوده است که تاکنون هشت ماه ادامه دارد: "مردم برای ابراز

منتشر شد:

اسلوبی و علمی ماتریالیسم دیالکتیک.
۴- پرتو نور و امید در نیمکره غربی

مقاله مزبور از مجله "صلح و سوسیالیسم" شماره ۷، سال ۱۹۸۷ گرفته شده است.

۳- اکثریت و تحولات ایدئولوژی بورژوازی

در این مقاله اهداف اصلی ایدئولوژی بورژوازی مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- لنینیسم، انقلاب، دوران معاصر

این مقاله از نشریه "کمونیست" شماره ۷ سال ۱۹۸۷ ترجمه شده است

شماره ۲۲ نشریه "آموزشهایی از انقلاب و سوسیالیسم" منتشر شد. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:

- کنگره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی

ایده های انقلاب اکثریت از زمان پیروزی به بعد

این مقاله توسط آکادمیسین پیوتر فدوسیف معاون آکادمی علوم اتحاد شوروی نوشته شده است و مباحث زیر را در بر می گیرد: دیالکتیک در جهان نوین، مشخصه های خاص عصر کنونی، دیالکتیک تحول سوسیالیسم، در باب اهمیت

در حمایت از زندانیان سیاسی ایران

آموزان

- انجمن توسعه همکاری شهرها (نیکارگوته)

- حزب کمونیست شیلی برلین غربی

- حزب کمونیست عراق - برلین غربی

- سازمان دموکراتیک زنان ایران - برلین غربی

- اتحاد دموکرات ها و سوسیالیست ها - برلین غربی

- اتحادیه دموکراتیک زنان برلین - جوانان کارگر سوسیالیست آلمان

- برلین غربی

- جوانان کمونیست دانهارک - کمیته نلسون ماندلا

- ابتکار صلح منطقه تیرگارتن - برلین غربی

- حزب سوسیالیست شیلی - برلین غربی

- گروه حمایت گر نیکسا تایولو - برای یک فرهنگ پایه ای در نیکارگوته

- جامعه دوستی برلین غربی - کوبا

- جامعه دوستی برلین غربی - ویتنام

- حزب کمونیست اسپانیا - برلین غربی

- مرکز تعلیم و فعالیت جهان سوم - برلین غربی

- اتحادیه کارگران کرد - برلین غربی

- جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

- مرکز ترک ها - برلین غربی

* * *

و سازمان های زیر امضا و مورد پشتیبانی قرار گرفت:

- حزب کمونیست پاکستان

- سازمان زنان دموکراتیک پاکستان

- سازمان دانشجویان بلوچ

- فدراسیون دانشجویان دموکراتیک پاکستان

- جبهه خلق برای آزادی فلسطین

- فدراسیون دانشجویان جبهه سند

در روز ۱۷ سپتامبر، اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنشت در برلین غربی جشنواره ای تحت عنوان "روز جوانان" برگزار کرد. در این جشنواره جوانان پیشگام در برلین غربی نیز شرکت فعالی داشتند. سازمانهای جوانان شرکت کننده در "روز جوانان" با امضای بیانیه ارائه شده توسط جوانان پیشگام برلین غربی همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند. در این بیانیه حمایت فعال بین المللی از زندانیان سیاسی ایران، پایان دادن به شکنجه و کشتار در ایران و فرستادن یک هیات بیطرف بین المللی برای بررسی اوضاع زندانهای رژیم جمهوری اسلامی درخواست شده بود. سازمان های زیر بیانیه مزبور را امضا کردند.

- اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنشت

- اتحادیه ضد فاشیستهای (برلین غربی)

- حزب سوسیالیست متحده برلین غربی - منطقه شوین برگ

- اتحادیه دانشجویان عراقی در آلمان فدرال و برلین غربی

- جبهه خلق برای آزادی فلسطین (برلین غربی)

- حزب کمونیست لبنان (برلین غربی)

- جوانان توده ایران (برلین غربی)

- اتحادیه سوسیالیستی دانش

برای تقویت همبستگی جهانی با زندانیان سیاسی ایران از سوی فدائیان خلق در پاکستان بیانیه ای انتشار یافت. در این بیانیه ضمن افشا جنایات اخیر رژیم ددمنش خمینی در زندان ها، خواست آزادی فوری همه زندانیان سیاسی ایران مورد تاکید قرار گرفته است

این بیانیه از سوی احزاب

AKSARIYAT
NO. 226
MONDAY 26 Sep. 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

باجمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید